

آذربایجان

بشینجی دؤره
۶۶ - نجی نمره
اسفند ۱۳۸۸

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

سالی که گذشت

سال ۱۳۸۸ به تاریخ پیوست. در این سال نیز مانند سالهای گذشته شاهد درگیریهای در جهان پر تلاطم بودیم. در این سال تجاوز آمریکا به افغانستان، عراق و فشار به ایران ادامه داشت. تجاوز اسرائیل به فلسطینی های نوار غزه شدت یافت. ارمنستان ارتش اشغالگر خود را از اراضی آذربایجان خارج نکرد.

مشکلات زندگی در ایران شدت یافت. تورم بیکاری پائین بودن در آمد حقوق بگیران دولت این مشکلات را دو چندان کرد. انتخابات ریاست جمهوری ایران بزرگترین درگیری میان دولت و ملت به حاد شدن جهانی مبدل شد. آن چه در ایران بعد از انتخابات ریاست جمهوری گذشت. در تاریخ معاصر ایران وجود نداشت. رئیس جمهور منتخب ۲۴ میلیون رای آورد. مخالف او با ۱۴ میلیون در ردیف دوم قرار گرفت. اعتراضات شدید علیه گردانندگان انتخابات اوضاع را وخیم تر نمود. مردم به خیابانها آمدند لغو نتایج انتخابات را خواستار شدند. پلیس و نیروهای امنیتی با تظاهر کنندگان برخورد نمود.

بقیه در ص ۲

هشتم مارس روز جهانی زنان

زنان نیمی از اهالی جهان و اساس کانون خانواده را تشکیل میدهند. زنان در ادامه حیات و ترتیب نسل ها نقش بسزائی ایفا می کنند. علیرغم این در بسیاری از کشورهای جهان حقوق زنان زیر پا گذاشته میشود. زنان از برابری حقوق با مردان محروم اند. از حق وراثت مساوی حق طلاق، حق حضانت کودک بر خوردار نیستند.

قرن ۲۰ قرن انقلابهای اجتماعی بود. در نتیجه این انقلابها بود که مسئله مربوط به حقوق زنان مطرح میشد و در کشورهایی که انقلاب به پیروزی میرسید. برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی تامین میگردد. اما جای تأسف است که در آستانه قرن ۲۱ سیستم اجتماعی این کشورها تغییر پیدا کرد. برابری زنان نه تنها از میان برداشته شد که بلکه تبعیض میان مردوزن گسترش یافت حتی زن به ابزار تفریح و سرگرمی مبدل گردید.

بقیه در ص ۳

فرقه دموکرات آذربایجان و

جنبش ملی در آذربایجان

مبارزه ملی در آذربایجان با سایر نقاط ایران تفاوتهایی دارد. **بقیه در ص**

در این شماره:

تاریخ تکرار میشود

ایا همه چیز تمام شد؟

روابط ترکیه و آمریکا

در روسیه انتخابات محلی

بر گزار شد

روسیه - ۵۰۰ میلیارد دارد

هالیوود زرادخانه هنری سرمایه

عراق در آستانه انتخابات

سالروز در گذشت دکتر محمد

مصدق

انگیزه مردم دوستی

ملت سازی چپ و پریشان گویی

های داریوش همایون

سخنی پیرامون واحدهای

ملی و جنبش سبز و مطالب دیگر

تبریک

امسال ۸۰ سال از عمر

پر بار رفیق بهروز شکوری

بقیه در ص ۳

سالی که گذشت

است. بزرگترین کشورهای جهان از جمله آمریکا برای جلوگیری از ور شکست شدن کامل بانکها و موسسات تولیدی در بخش خصوصی سرمایه‌ی هنگفتی را به کار می‌گیرند و میخواهند بدین وسیله ویرانگری بحران کم تر شود به سخنی دیگر موسسات خصوصی تحت نظارت دولت قرار میگیرد. نقش دولت در این روند به شکل مؤثر است کاری که موسسات خصوصی از عهده آن بر نمی‌آیند. دولت با برنامه ریزی با آناشی موجود در بازار را خنثی می‌کند. بدین وسیله از بحران جلوگیری به عمل می‌آورد. تأسف و تعجب اینجا است که اقتصاددانان ایران نه میخواهند این واقعیت را بدرستی ارزیابی کنند. با اصرار دولت را مجبور می‌کنند. موسسات دولتی را به بخش خصوص بسپارند. بدین وسیله کارگران و کارمندان را به شکل دسته جمعی از کار بیرون کنند. ماشین آلات و ساختمان را به فروشند. تا احتیاج کشور بیش تر به واردات وابسته شود.

سالی که گذشت زندگی مردم نسبت به گذشته بهبود نیافته. قیمتها بالا رفته بیکاری افزایش پیدا کرده. فقر و ثروت در برابر هم قرار گرفت. در این مورد نظریات مختلف وجود دارد. عده ای از کارشناسان بر این عقیده هستند که فقر مطلق بیش از ۲۰ میلیون ایرانی را فرا گرفته است. ارقام رسمی این رقم را تا ۱۱ میلیون نفر تنزل میدهند. در حالیکه حکومتگران مملکت میتوانند. کار خانه های تولیدی را بیش تر کنند. کشاورزی را در مسیر رشد قرار دهند تا این تیز مانند چین هندوستان اقتصادش در راستای رشد قرار گیرد.

مردم ایران در چنین شرایطی به استقبال عید نوروز می‌روند. دولت اخطار می‌کند که چهارشنبه سوری را با سروصدا بر گذار نکنند. و بر قراری آرامش در شهرها را رعایت کند. ما هم با حفظ آرامش عید نوروز را به هم میهنان خود تبریک می‌گوییم و در مبارزه مشترک در راه دموکراسی آرزومند موفقیت هستیم.

در نتیجه عده ای کشته و زخمی گردیدند عده زیادی از تظاهرکنندگان دست گیر و روانه زندان شدند. این صحنه چند بار تکرار شد. در روز دانشجو (۱۶ آذر) و در جریان بر گزارای مراسم عاشورا میان تظاهر کنندگان و پلیس زد و خورد شدید رخ داد. ۱۲ نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات خیابانی محکوم به اعدام شدند. حکم اعدام درباره ۲ نفر آنها اجرا شد. جهانیان شاهد آن شدند که مردم ایران آزادی میخواهند و میخواهند کشور با اصول دموکراتیک اداره شود. انتخابات برای احراز مقام مسئول بدون تقلب بطور شفاف صورت گیرد. اعتراض کنندگان بر این عقیده بودند که در انتخابات شفافیت رعایت نشده. بنابر این در شمارش آرا دست برد شده است.

عمده ترین خصوصیت تظاهرات خیابانی، تشکیل حرکتی است که جنبش سبز نامیده شد. جنبش سبز گرچه سازمان سیاسی نیست اما کوشش اولیه ای است که مبارزه مردم را به سمت تشکل پیش می‌برد.

در سالی که گذشت روابط ایران و غرب تیره تر گردید. غرب تحت رهبری آمریکا به ایران فشار می‌آورد تا از غنی سازی اورانیوم دست بر دارد. ایران این پیشنهاد را رد میکند و اعلام می‌دارد که غنی سازی اورانیوم جنبه صلح آمیز دارد. بنابراین ایران حق دارد از انرژی اتمی استفاده کند. غرب به بیانات ایران اهمیت نمیدهد و اصرار دارد. در صورت نپذیرفتن پیشنهاد توقف غنی سازی تحریم شدید تر اقتصادی علیه ایران به کار خواهد بست. حتی با تحدید نظامی میخواهند ایران را وادار کند تا خواسته‌های آنها را عملی کند.

یکی از عمده ترین حوادث که در سال گذشته رخ داد. خصوصی سازی موسسات دولتی بود که این از حوادث مهم به شمار میرود.

دولت در شرایطی به خصوصی سازی دست میزند که بحران اقتصادی سراسر جهان را فرا گرفته

باشند چنان که در دهه اول قرن ۲۰ با اتیکار کلاراستکین سوسیال دموکرات آلمان عملی شد. از آن زمان هشتم مارس بعنوان روز زن در سراسر جهان جشن گرفته میشود.

زنان ایران نیز در این راه مبارزه می کنند. در تظاهرات شرکت می کند. بدین منظور امضای جمع می کنند. بدین ترتیب در راه تشکل پیش میروند.

۱- لاهردی

تبریک

امسال ۸۰ سال از عمر پر بار رفیق بهروز شکوری می گذرد. رفیق شکوری در سالهای جوانی با بی عدالتیها و زورگوییها روبرو بود. او شاهد فقر و در ماندگی اکثریت مردم ایران بود. در سالهای تحصیل به صفوف مبارزین عدالت خواهی پیوست و در این راه با مشکلات عدیده و فشار مأمورین دولت مقاومت کرد. این فشار بود که او را مجبور کرد. زادگاه خود را ترک کند و به مهاجرت و مشکلات آن تن در دهد. اما پیگیری او در مبارزه بخاطر آزادی و دموکراسی امکان داد. او با مشکلات مهاجرت نیز دست پنجه نرم کند. رفیق شکوری وارد دانشگاه کشاورزی شد و با موفقیت آن را به پایان رساند. در سالهای بعد نیروی خود را برای شناسی زمین، زمین شناسی متمرکز نمود.

او در سالهای مهاجرت دوره دکترا را با موفقیت گذراند به درجه پروفیسور و عضو آکادمی آمریکا نائل آمد. ایشان مؤلف کتابهای علمی عدیده است که ما شمارش آنها را ضروری نمیدانیم. رفیق شکوری در محافل علمی اتحاد شوروی سابق، ایران و جمهوری آذربایجان شهرت به سزایی دارد. رفیق شکوری در عین حال شخصیت سیاسی است و به عضویت در فرقه دموکرات آذربایجان افتخار می کند.

ما روز تولد رفیق شکوری را تبریک می گویم.. برای او عمر طولانی و در کارهایش خلاقیت علمی آرزومند هستیم.

فرقه دموکرات آذربایجان

هشتم مارس روز جهانی زنان

حالا در جهان یک قطبی (یک قطبی در عالم سیاست، یک قطبی در سیستم اقتصادی و کم و بیش در سیستم فرهنگی) زن در بازار «آزاد» بعنوان کالا دادوستد میشود. تا زمانی که وضع موجود تغییر پیدا نکند، سیستم اجتماعی نوین در جهان بوجود نیاید نه تنها برابری میان زن و مرد ممکن نیست که حتی برابری در میان اقشار و طبقات گوناگون جامعه نیز غیر ممکن است. زیرا انسانها از لحاظ اقتصادی به قطب فقر و ثروت تقسیم شده اند. بدین ترتیب تضاد آشتی نا پذیر میان فقر و ثروت (میان کار و سرمایه، میان شهروروستا) ریشه دوانده است بیرون کردن این ریشه از اعماق جامعه و نابود کردن آن بدون اعمال زور ممکن نیست جامعه بشری در مرحله کنونی رشد خود باین بست روبرو است. زیرا برای حل این تضاد از طریق انقلابی متکی به زور زمینه مساعد وجود ندارد. راه دیگری برای دست یابی به تغییرات اساس موجود نیست به جز راه تکامل، نه تنها دهها بلکه صدها سال طول خواهد کشید. تا سرمایه داری بشکل مسالمت آمیز به جامعه غیر سرمایه داری تبدیل شود. اما سرمایه و سرمایه داری ۴۰۰ سال است. موجودیت خود را علیرغم بروز بحرانهای ادواری در سراسر جهان حفظ می کند، کشورهای که در قرن ۲۰ یوغ سرمایه داری را شکسته، راه غیر سرمایه داری در پیش گرفته بودند. از میان رفتند سرمایه داری در این کشورها با تمام معایب خود مجدداً برپا گردید. و این کشورها هستند که از بحران سرمایه داری کنونی متضرر میشوند. در همین کشورهاست که فروش زنان بعنوان کالا بیشتر به چشم می خورد.

نهضت زنان با این فساد مبارزه می کند اما این مبارزه زمانی مؤثر خواهد بود که زنان تشکیلات داشته

نقش روشنفکران آذربایجانی در مقیاس کشور نقش آذربایجان و آذربایجانیها و زندگی سیاسی و اقتصادی کشور و... همگی حکایت از آن دارد که مردم آذربایجان ضمن اینکه خواهان آزادی و دموکراسی برای ایران هستند. همچنان از حق و حقوق ملی خود نیز دفاع می کنند و خواهان به رسمیت شناختن آن می باشند.

فرقه دموکرات آذربایجان بمتابه گردان پیش آهنگ مبارزه ملی در آذربایجان و بمتابه وارث حکومت ملی و خود مختار آذربایجان و بمتابه اجرا کننده اصلاحات عمیق اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و سیاسی در آذربایجان و بمتابه مدافع حقوق ملی و مدنی خلق آذربایجان ۶۴ سالست که در راه رسیدن به حقوق ملی و مدنی آذربایجانیها کار و پیکار میکند و با تحلیل دقیق از اوضاع ایران و بویژه آذربایجان پیوسته از اقدامات خشونت آمیز و ماجرا جویانه پرهیز کرده و این حقیقت را بر زبان جاری ساخته است که برای رسیدن به حقوق ملی و مدنی تنها ویگانه راه درک واقعیت های موجود، شناخت نیروها، تشکل یابی و اقدامات منطبق با برنامه و پیش بردن امر مبارزه با توجه به عوامل ذکر شده می باشد هر گونه افراط طلبی و اقدامات ماجرا جویانه نه تنها بسود مردم آذربایجان نبوده و نیست که بعضاً جبهه نا برابری را بر علیه خلق آذربایجان خواهد گشود فرقه دموکرات آذربایجان بر این باور است که همه مبارزین ملی و مدنی آذربایجانی با شناخت و آگاهی از تاریخ ایران و بویژه تاریخ مبارزات ملی و اجتماعی خلق آذربایجان پیرامون فرقه دموکرات آذربایجان گرد آمده و امر مبارزه خطیر و مقدس را پیش خواهند برد و همگام و همسو با جنبش سراسری و آزادی خواهانه و عدالت جویانه برنامه ملی و مدنی خود را نیز عملی خواهند کرد چرا که در شرایط کنونی کلیه عرصه های مبارزاتی مانند حلقه های رنجیر بهم مربوط و همبسته هستند!

مارس ۲۰۱۰

فرقه دموکرات آذربایجان و جنبش ملی در آذربایجان

مبارزه ملی در آذربایجان با سایر نقاط ایران تفاوتی دارد. این تفاوتها در درجه نخست با وضعیت تاریخی، اجتماعی و انسانی این منطقه بستگی دارد و در روند رویدادها تاثیر خود را بر جا گذاشته و میگذارد. ترکیب و نسبت اهالی این ناحیه با کل ایران، نقش آذربایجانیها در اداره امور اقتصادی و سیاسی و نظامی کشور تجربه غنی مبارزاتی که کمتر جنبه مسلحانه و خشونت آمیزی بخود گرفته و احساس مسولیت مردم آذربایجان در قبال کشور ایران که بمتابه «سرگر به ایران زمین عمل کرده است و... از این عوامل است. اگر نگاهی» گذرا به تاریخ ۲۰۰ ساله ایران انداخته شود. روشن میگردد که آذربایجان و آذربایجانیها هیچوقت در حفظ و حراست از تمامیت ارضی ایران گام پس نگذاشته و در راه حفظ تمامیت در صف نخست با دشمنان داخلی و خارجی جنگیده اند. نقش آذربایجان و آذربایجانیها در جنبش مشروطیت، نقش خیابانی در اعتلا و رستاخیر آزادی از یوغ استبداد و استعمار تشکیل حکومت ملی توسط فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه وری بمتابه سر آغاز جنبش ملی گرایانه خلقهای ساکن ایران در چارچوب ایران و نهایت اقدامات ریشه ای و اجتماعی حکومت ملی در طی یکسال که در حقیقت عمق و عظمت آن چندین برابر از انقلاب ۲۲ بهمن عمیق تر و ریشه ای تر بود. بمتابه الگویی برای ایجاد تحولات اجتماعی و سر انجام قیام مردم آذربایجان در انقلاب ۲۲ بهمن و مبارزات پس از آن همگی حکایت از آن دارد که آذربایجان و آذربایجانیها بیشتر از آنکه موج سوار سیاسی و اهل، ماجراجویی و جنگ و مبارزه مسلحانه کور و ترور و انفجار باشند اهل سیاست، اهل اقدام عملی و اهل خدمت و سعادت بهروزی مردم کشور می باشند،

تاریخ تکرار میشود

ایران اصرار دارد صنایع اتمی خود را گسترش دهد، غنی سازی اورانیوم را رأساً انجام دهد تا سوخت برای ایستگاه اتمی را خود تهیه کند. کشورهای غرب بویژه آمریکا با سیاست ایران مخالفت می کنند ایران را متهم میسازند که این کشور قصد دارد سلاح اتمی بسازد. بدین جهت میخواهند مسئله را به شورای امنیت سازمان ملل بکشند. قطعنامه تند علیه ایران بتصویب برسانند که بر مبنای آن حلقه تحریم تنگتر گردد تا ایران مجبور شود راه مصالحه در پیش گیرد یعنی از غنی سازی دست بر دارد و بدین وسیله تنشج میان ایران و غرب (آمریکا) پایان یابد، در خاور میانه آرامش بر قرار شود، کشمکش جای خود را به همکاری بدهد.

دولت ایران استفاده از انرژی اتمی را حق قانون خود میدانند و به هیچ وجه به توصیه تهدید آمیز تن در نمیدهد و از سیاست اتمی خود دست بر نمی دارد.

این سیاست انعطاف ناپذیر طرفین دعوا تنشج در منطقه و جهان را افزایش میدهد. طبیعی است که ادامه این وضع عواقب وخیمی در پی خواهد داشت. جنگ در افغانستان با شدت ادامه دارد. این جنگ تاریخ سی ساله دارد. ناتو خود را در این جنگ در گیر است. آمریکا ۳۰ هزار سرباز اضافی به این کشور اعزام می دارد تا بتواند در این جنگ پیروز شود. اما آینده روشن برای پیروزی بر طالبان بچشم نمی خورد. بویژه زمانی که جنگ در افغانستان پاکستان را نیز در بر گرفته است. بعبارت دیگر کشور همسایه افغانستان هم در آتش جنگ میسوزد.

جنگ در عراق نیز ۸ سال است ادامه دارد. پیروزی آمریکا در این جنگ نیز غیر ممکن است. آمریکا با حمله به عراق به خطای خود پی برد تصمیم گرفته مانند جنگ و ویتنام خود را از این مخمصه بیرون به کشد و نیروهای مسلح خود را تا سال ۲۰۱۱ از این کشور خارج سازد. اما خروج از این کشور تبدیل شده

بویرانی جنگ داخلی را تشدید خواهد کرد. جنگ بشکل تروریزم ادامه خواهد یافت.

حالا تاریخ تکرار میشود. اول به شکل فاجعه (حمله به عراق) دوم بطور مضحکه (رو در رویی با ایران).

آمریکا حکومت صدام حسین را سرنگون کرد تا سلاح کشتار جمعی در عراق را از میان بر دارد. جنگ شروع شد. صدام اعدام گردید و سلاح کشتار جمعی پیدا نشد. حالا این سلاح کشتار جمعی را در ایران جستجو می کند. دولت ایران اصرار دارد که غنی سازی اورانیوم و یا استفاده از انرژی اتمی قصد صلح آمیز دارد. آمریکا و هم پیمانان اروپائی او میگویند مرغ یک پا دارد ایران قصد دارد به سلاح اتمی دسترسی پیدا کند لذا باید از آن جلوگیری شود. چطور؟ توسل بزور و یا از طریق گفتگو.

اگر این در گیری به جنگ منجر شود. فاجعه بزرگی خاورمیانه را در بر خواهد گرفت. عواقب آن از جنگ در افغانستان و عراق نیز فاجعه آمیز تر خواهد بود.

۱- لاهردی

.....

ایا همه چیز تمام شد؟

معلمان و دیگر اقشار زحمتکش و شریف مردم بیک سخن همه مردم ناراضی و جان به لب رسیده نه تنها دست از مبارزه بر نداشته و نا امید نشده اند که بلکه در پی مشاهدات و تجارب خود در یافته اند تنها در سایه سازماندهی و برنامه ریزی و اتحاد و وحدت عمل خواهند توانست دیو استبداد را از خانه بیرون رانند.

مبارزه مردم ایران را نباید در حد اعتراض یک کاندید ریاست جمهوری به نتایج انتخابات آنهم در کشوری که در طی سی و یکسال همه انتخابات آن از بیغ و بن غیر عادلانه و غیر دموکراتیک بوده یکی دانست، این تنها نتایج انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری نبود که دستکاری میشد، اساساً همه انتخاباتی که تا کنون بر گزار شده دست کاری شده و نتایج دلخواه حاکمیت بدست آمده است. در کشوری که جمهوریت و رای مردم در گرو یک بند از بندهای قانون اساسی است چگونه می توان از حاکمیت مردمی سخن گفت فرض شود انتخابات دوره دهم دستکاری نمیشد چه معجزه ای روی میداد؟

نتیجه اینکه مبارزه مردم ایران پس از روشن شدن وضعیت بویژه پس از زور آزمایی پشت پرده که در ۲۲ بهمن روز سالگرد انقلاب صورت گرفت و بنفع جناح و حاکم و به ضرر جناح مخالفان خودی به پایان رسید و وارد مرحله جدیدی شده جنبش های زنان، کارگران دانشجویان، معلمان و... با استفاده از همه تجارت خود در یک اعتراض سراسری و متحد و با برنامه گام بر خواهند داشت و با اقدامات خود اثبات خواهند کرد نه تنها مبارزه فروکش نکرده که بلکه خیزش رو به اعتلایی را در پیش گرفته اند.

علی ۸ مارس ۲۰۱۰

اعتراضاتی که پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری دامنه وسیعی بخود گرفته بود. بحد قابل توجهی فروکش کرده، آنها ئیکه روی ۲۲ بهمن و سالگرد انقلاب سرمایه گزاری سیاسی کرده بودند، نتوانستند روند حوادث را بمسیر دلخواه خود هدایت کنند، سر خوردگی بخشی از نیروهای محرکه این اعتراضات و دنده عقب گرفتن حامیان خارجی آنها در رسانه های غربی که، بیرون از گود نشسته بودند و مرتباً شعار لنگش کن را میداند، این تصور را بوجود می آورد که گویا مبارزات مردم ایران متوقف گردیده، ترویج این طرز تفکر و پاشاندن روحیه یاس و نومیدی خود بخشی از توطئه به بیراه کشاندن مبارزه مردم و مرحله جدیدی از لاپوشی و پنهان ساختن زدوبندهای پشت پرده حاکمیت با به اصطلاح «مخالفان» خودی و مهار دوگانه جنبش اعتراض مردم است که خواهان اقدامات ریشه ای و تغییرات زیر بنایی هستند.

جنبش اجتماعی ایران در دوران کنونی حلقه ای از رنجیر مبارزات مردم میهن مان در طی بیش از صد سال مبارزه با استبداد، ارتجاع و حامیان داخلی و خارجی آن ها بوده است و این قائم به ذات این یا آن فرد «ناراضی» و «دل آزاده» نیست که مورد بی مهری حاکمیت قرار بگیرد و برای رسیدن به امیال خود از کیسه مردم سرمایه بگذری بکند. مردم ایران، مردمی مبارز، با سواد اجتماعی بالا و روحیه آزادیخواهی و عدالت طلبی هستند که برای رسیدن به آرزوهای والای اجتماعی خود یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هرگز عقب نشسته اند، جنبش زنان غیور و جسور و مبارزه جنبش دانشجویان که سنن مبارزاتی ارزشمندی دارند و جنبش پر توان و نیرومند کارگری ایران که در مرحله کنونی از پخته گی و تجربه والایی سود می برند و با شیوه یک گام به پیش دوگام به پس، مترصد فرصت و زمان مناسب برای انجام رسالت خود می باشد،

روابط ترکیه و آمریکا

آمریکا بعنوان تنها ابر قدرت در جهان اراده خود را بر دیگر کشورهای جهان تحمیل می کند. او است که سه ماه متمادی یوگسلاوی را هدف بمب باران هوایی قرارداد خانه ها، مؤسسات تولیدی، مدارس و بیمارستان ها را ویران کرد و بالاخره یوگسلاوی را تکه پاره نمود. اما نتوانست صربها را از سراسر یوگسلاوی فدرال سابق پاک سازی کند، یعنی جمهوریهای سابق را از اقلیتهای دیگر پاک کند. تا بدین وسیله تضاد میان ملل و اقوام گوناگون حل شود. علل و عوامل در گیریها از میان برود.

آمریکا با حمله به افغانستان شهرها و روستاها را ویران می کند. بدین وسیله حق آزاد زیستن افغانها را پایمال می کند.

آمریکا همین کار را در عراق تکرار می کند. عراق را مانند افغانستان به ویرانه مبدل کرده و جنگ داخلی در این دو کشور را دامن می زند تا شاید «آرامش» در منطقه برقرار گردد. آمریکا با پشتیبانی از تجاوزگران اسرائیل حق تعیین سرنوشت عرب فلسطین را نا دیده میگردد تا اشغال اراضی فلسطین ابدی شود.

آمریکا به خاطر دفاع از اسرائیل دوم (ارمنستان) در قفقاز روابط استراتژیک خود را با ترکیه متحد تیره می کند. ترکیه را مجبور می کند.

در روابط خود با ارمنستان تجدید نظر کند. با این کشور روابط سیاسی برقرار کند. سرحدات خود را روی ارمنستان باز کند. بدون اینکه از ارمنستان بخواهد از اراضی اشغال شده آذربایجان بیرون برود و یک میلیون آواره جنگی به خانه های آبا و اجدادی خود باز گردند. با یک سخنن آمریکا با قدرت نمائی اراده خود را به دیگران تحمیل می کند. کمیته روابط خارجی کنگره

آمریکا «نسل کشی» ارمنه در جنگ اول جهانی را بدون تحقیق از واقعی بودن آن از ترکیه می خواهد که این «نسل کشی» را بعهده بگیرد در مقابل آن مانند آلمانها (آلمانها به اسرائیل به خاطر هولاکاست. غرامت می پردازد) به ارمنستان غرامت به پردازد.

آمریکا زور مداری ارمنستان را مورد حمایت قرار میدهد. نسل کشی ارمنستان را در شهر خوجالو نا دیده میگیرد. (۶۰ سال قبل چهار میلیون فلسطینی از خانه خود رانده شده در کشورهای هم جوار سکونت کرده اند.) ارمنیها ۲۰ سال قبل یک میلیون آذربایجانی را از خانه خود بیرون کرده آنها در سراسر جمهوری آذربایجان پراکنده شده با هزار مشکل روبرو هستند.

ترکیه درباره مصوبه کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا عکس العمل شدید نشان داد و اعلام داشت که در صورت تصویب آن در کنگره آمریکا اقدامات جدی در این مورد اتخاذ خواهد کرد.

ما به جای خود سیاست آمریکا در جهان و بویژه در خاورمیانه را محکوم می کنیم. از حق قانونی ترکیه و آذربایجان پشتیبانی بعمل می آوریم.

۱- لاهرودی

در روسیه انتخابات محلی برگزار شد.

روسیه ویژه گی های خود را دارد گرچه در اروپا واقع است اما مردم آن طرز تفکر آسیائی دارند. استبداد پروری و پرستش به قدرت و قدرتمندان عمده ترین خصیصه ملت روس است. این خصوصیت علل گوناگونی دارد. در طول تاریخ از شرق (آسیا) و از غرب (اروپا) مورد حملات قرار گرفته تحت تسلط مهاجین بسر برده است در حالیکه مغولها بیش از سیصد سال در این اراضی حکمرانی کردند اروپائیان قسمت غربی آنرا بطور متمادی مورتهاجم قرار می دادند. بدین سبب است که این مملکت تا قرن ۱۵ به شکل غیر متمرکز تحت فرمانروایان جداگانه اداره میشد. اما بتدریج به یک امپراطور قدرتمند مبدل شد. در عرض چهار صد سال اراضی خود را در شرق و غرب گسترش داد یک ششم خشکی کره زمین را از آن خود ساخت در این چهار صد سال با فراز و نشیب های گوناگون روبرو گشته و فرمانروایان بزرگی را در دامن خود پروانده است.

قرن ۲۰ قرن تحولات اجتماعی در جهان بویژه در روسیه و چین بود. این ملت های بزرگ سیستم اجتماعی کهنه را نابود کردند مردم پائین دست بالا کشیده شد دهها شخصیت بر جسته سیاسی نظامی اداره این مملکت بزرگ را در دست گرفتند. اما این امپراطوری مانند امپراطوری های دیگر از میان رفت آنهم در یک چشم بهم زدن از بین رفت و جایش را یک دولت کوچکتر و در افتاده گرفت.

در سالهای امپراطوری از انتخابات آزاد و دموکراسی خبری نبود. میلیونها انسان مانند برده در مقابل برده دار تعظیم و تکریم میکردند با این که این سیستم اجتماعی از میان رفت اما سنت و سنت گرانی در جای خود باقی ماند. شکل عوض شد مضمون بلا تغییر ماند ۷۰ سال حکمران رهبر خوانده شد تعریف و تمجید

از رهبر بحد علا رسید. مملکت را حزب واحد و رهبر واحد اداره کرد حالا که سیستم اجتماعی عوض شد. مملکت به سالهای قبل از انقلاب برگشته و دموکراسی بورژوازی از غرب به عاریت گرفته شد آنارشی بی بندوبار آنرا فرا گرفته و نهایت باز هم موافق میل و خصوصیت ملت روس «ثبات سیاسی» به کشور باز گردانده شده. اما دموکراسی غرب شکل عوض کرد بدوران حکومت ۷۰ ساله، حزب واحد رهبر واحد (لیدرملی) باز سازی گردید انتخابات در تمام سطوح از پائین تا بالا بنابه میل لیدر ملی انجام میگردد. در دومای دولتی حزب حاکم (روسیه واحد) از ۵۰۰ نماینده ۳۵۰ نماینده دارد. بقیه کرسی ها در دست ۳ فراکسیون قرار گرفته است ۲ فراکسیون از این فراکسیون عملا با هیئت حاکمه همکاری می کنند. یعنی ۲ فراکسیون از سه فراکسیون در بسیاری موارد از حزب حاکم دنباله روی می کنند. تمام رسانه ها بویژه رادیو تلویزیون تحت کنترل حکومت بورژوازی است و اوپوزسیون به آنها دسترس ندارد.

انتخابات محلی در مارس برگزار شد. این بار نیز اکثریت مطلق در دست حزب حاکم یعنی در دست قدرتمندان حکومتی متمرکز شدید آوری میکنیم که انقلاب اوکتبر دیکتاتوری پرولتاریا را در روسیه بر قرار نمود بورژوازی شهر و روستا را کنار زد. حکومت کارگر و دهقانان را پایه ریزی نمود ساختن جامعه بدون طبقه را در پیش گرفت لکن ملت روس و نمایندگان آن در قدرت حزبی و حکومتی نه تنها از رشد این جامعه جلوگیری کردند که بر که به آسانی آنرا بر انداختند همفکران داخلی و خارجی خود را تنها گذاشتند. پشت سر آن ثروت باد آورده را در اختیار گروه کوچک از «نخبگان» تازه بدوران رسیده قرار دادند و اکثریت مطلق اهالی را گرفتار فقر و فاقه نمودند.

۱- لاهرودی

هالیوود زرادخانه هنری سرمایه

لنین به نقش سینما و تاتر بطور کلی هنرهای تجسمی و دراماتیک در تدوین تنظیم و همچنین بالا بردن سطح شعور مردم واقف بود و بهمین خاطر در عرصه تبلیغاتی و ترویج ایدئولوژی بر این باور بود که هنر و هنرمند را باید با زندگی روزمره زحمتکشان و کاروران اصلی جامعه نزدیک ساخت. در دوران اتحاد شوروی بویژه تحت تاثیر سبک رئالیزم سوسیالیستی کارهای هنری زیادی تولید و بعضا ارزش جاودانه و ابدی پیدا کرد و در یک دوره معین در عرصه ایدئولوژیکی و تبلیغی تاثیر بسیار زیادی بر جا گذاشت!

غرب سرمایه داری با توجه به این حقیقت و بهره وری همه جانبه از هنر و هنرمند در جهت تبلیغ و ترویج سیستم اقتصادی و تعمیق پایه های ایدئولوژیکی و فلسفی سرمایه داری، و پیروزی های بزرگی بدست آورده و توانسته مردم جهان را تحت تاثیر ماشین تبلیغاتی خود قرار دهد. در سینما غرب بویژه سینمای آمریکا و هالیوود بر خلاف رئالیزم سوسیالیستی که قهرمان نه یک نفر که بلکه همه پرسوناژها یک فیلم می باشند، قهرمان فیلم فردی است که با انبوهی از مشکلات لاینحل روبرو میشود، روئین تنانه بر همه این مشکلات فانق می آید همه را میکشد و میسوزاند اما خودش باقی میماند تا نشان داده شود جمع گرایی نه این اندونویدالیزم و فرد است که به همه چیز قادر است رمبو و فیلم های شهردار نیویورک آقای آرنولد شوارتزنیگر و.. نیز از این سوژه های فرد گرایانه است.

هالیوود بمثابة زرادخانه هنری و تبلیغاتی سرمایه داری جهانی، آمریکا و غرب را انسان دوست، بشرخواه مهربان و دلسوز جلوه داده و میدهد در عوض شوروی، سوسیالیزم کمونیست، وحشی، ضد انسان و ضد بشر به نمایش در می آید به بچه ای کوچک و نوجوانان تلقین میشود که این غریبها خوب همیشه باید بمیدان بیایند و با محو پلیدیها وحشی گریها، دنیا را به بهشت روی زمین تبدیل کنند. پس از فروپاشاندن اتحاد شوروی خلاء بزرگی در سینما هالیوود بویژه در زمینه تبلیغات ایدئولوژیکی بوجود آمد اما دیری نپایید این بار مسلمانان تروریست جای کمونیست ها و سرخ های «وحشی و ضد بشری» را گرفتند اینک سالهاست بویژه پس

روسیه - ۵۰۰ میلیارد دلار

- ژورنال فیناس نام ۵۰۰ میلیارد روسیه را منتشر کرده
- ۱- ولادمیر لیسین رئیس شورای مدیران کارخانه متالوژی ثروتمندترین شهروند روسیه صاحب ۸، ۱۸ دلار است.
 - ۲- میخائل پروخوروف پریزدنت گروه «اوسگین». ۸۵، ۱۷ میلیارد دلار.
 - ۳- رومان آبرامویچ ۱۷ میلیارد دلار.
 - ۴- ثروت میلیاردی های سه گانه بالا در سال ۲۰۰۸، ۵۰۰ میلیارد بود. در سال ۲۰۰۹
 - ۳، ۱۳۹ میلیارد دلار است. می توان این پول را با بودجه سال ۲۰۱۰، مقایسه کرد مبلغ بودجه امسال ۲۱۶ میلیارد دلار است.
 - ۵- سلیمان کریم اف ۵، ۱۴ میلیارد دلار.
 - ۶- میخائیل فریدمان ۳، ۱۴ میلیارد دلار.
 - ۷- آک دیریباسکا ۸، ۱۳ میلیارد دلار.
 - ۸- علیشیر عثمانف ۴، ۱۲ میلیارد دلار.
 - ۹- واحد علی آلکپراوف ۶۵، ۱۰ میلیارد دلار.
 - ۱۰- الکسی مورداش اف ۱۰ میلیارد دلار.
 - ۱۱- ولادمیر پویکن ۹۵، ۹ میلیارد دلار.
- با وجود این ثروت کلان تولید ناخالص ملی روسیه ۸٪. سرمایه گذاری سرمایه اصلی ۱۷٪ پائین آمد (نسبت به سال گذشته).

از در هم فروریختن بر جهای دو قلوبی تجارت جهانی در مانهاتان هالیوود خلا موضوع های ایدئولوژیکی را پر کرده عراق، افغانستان و... تروریستهای مسلمانی که بخود بمب و نارنجک می بندند مردم را ترور می کنند. هواپیماها را می دزدند و به ساختمان تجارت جهانی و به نپتاگرن و... می کوبند سوژه هایی از این قبیل از سوی تولید کنندگان هالیوود به تصویر کشیده میشوند و بازیهای کامپیوتری زیادی در این رابطه در اختیار کودکان کم و سال و نوجوانان قرار داده میشود تا روند تخریب و مسخ هویت خلاء ای بوجود نیاید. این تصادفی نیست که یک خانم کارگران بخاطر به تصویر کشاندن «انسان دوستی های» سربازان آمریکایی در عراق و «نجات عراق» از شر «صدام» که با کشته و آواره شدن میلیونها انسان و خرابی ویرانی بخش بزرگی از کشور عراق و بغارت رفتن آثار قدیمی از موزه های عراق شد برنده جایزه اسکار سال ۲۰۱۰ شد.

آمریکا معمار جهانی کردن جهان و استقرار حاکمیت بلا منازع خود بر دنیا صیهونیزم و سرمایه کشورهای اروپائی با بوجود آوردن انحصارهای فرا ملیتی عملاً بمثابه یک سیستم اقتصادی جهانی در هم تنیده شده، سیطره مالی خود را بر دنیا حاکم کرده، آمریکا بکمک تئورسین های شدیداً مذهبی (صیهونیستی و مسیحی) خود بر روح روان مردم جهان حاکم میشود فیلم ها و بازیهای کامپیوتری، ادبیات ویژه، ترویج فحشا خشونت و اعتیاد، تلقین فرد گرایی مطلق و... بخشی از کارهای تبلیغاتی سیستم سرمایه داری جهانی است که از زرادخانه هنری هالیوود عرضه میشوند هیچوقت مثل امروز مردم جهان چنین بی اراده زندگی نکرده اند. مردمی که از سحرگهان تا شامگاهان و یا بعبارت دیگر از خروس خوان تا قوروق خون تحت تاثیر بمبارانهای تبلیغاتی قرار دارند. آنها بدون اینکه از خود اراده ای داشته باشند. بوسیله ماشین تبلیغاتی جهان سرمایه داری یعنی برنامه های تلویزیونی، رادیویی و سینمایی و کامپیوتری شیوه خوردن خوابیدن، لباس پوشیدن فکر کردن را بدخواه تئورسین های جهان سرمایه داری طوطی وار تکرار می کنند و در این تصور هستند که انسانهای آزادی هستند که هر گونه می خواهند زندگی میکنند و از نعمات سرمایه داری و دموکراسی و حقوق بشری آن بهره مند هستند.

مشاهده چی ۱۱ مارس

یانان تورپاغیم

نه واختدیر اوره کده ن گوله بیلیمیر ه م،
ئولمک ایسته بیر ه م ئوله بیلیمیر ه م،
چاچاندیر یانینا گله بیلیمیر ه م،
یادلارین الینده قالان تورپاغیم،
آلیشان تورپاغیم، یانان تورپاغیم.

صولحه چاغیریریق دوشمنی میزی،
اودا کار اولوبدور اشیت میر بیزی،
انله بیل دونیانین کور اولوب گوزو،
گور نه حاللارا دوشوب باغیم، باغاتیم!
آلیشان تورپاغیم، یانان تورپاغیم.

باشی بلالیدیر ملتی میزین،
قیلینجی پاس آتیب قیر تیمیزین،
دیشیب معناسی صحبتی میزین،
گزه ده دونیانی سسیم، سوراغیم،
آلیشان تورپاغیم، یانان تورپاغیم.

گوردوم تله ویزوردا تورپاغی میزی،
گوزه ل یوردوموزو، او یلاغیمیزی،
او کولو انمیش اوجاغی میزی،
بیردن هنکوره رهک انله آغلا دیم،
منه حیران - حیران باخدی اولادیم.
اسدی یارپاق کیمی، اسدی دوداغیم
داغ چکدی سینه مه یانان تورپاغیم.

عارف صفا

بودا بیر طالعدیر

انسان گوجلو اولور ئوز وطنینده
بیزده نل - اوبانی قویوب گلیمیشیک
بیر قیش گنجه سینده تونفنگ الینده
بو دا بیر طالعدیر، دئییب گلیمیشیک

ئو بیه سیز قالیب، قاپیسی آچیق
ماسانین اوستونده یانلی چیراق
دئمیشیک گون گلر، بیز قایداریق
قوی نله یانلی قالسین اود اوجاق.

نه باجی باجیلا گوروشه بیلیم
نه آتا قیزینی باسیب باغرینا
بو قفیل ایریلیق گور نجه گلیب
دوشه نیب گنجه نین آیاقلارینا

بیر قیش گنجه سینین قالین قارینی
کولک اوزوموزه سووروب گنجه.
بیر ایلیک کورپه نین آدلیمینی،
نجه قاچیر بیلار، سیز گورون نجه؟

حسرت گویرده جک دمیر بشیکده
آزادلیق ایسته بین اینامیمیزی
او، بیه سیز قالان ئوده، انشکده
ساخلابیر قایتماق گومانیمیزی.

تاریئل امید

عراق در آستانه انتخابات

چند روز بعد انتخابات دوره دوم مجلس (پس از سقوط صدام حسین) برگزار خواهد شد این دوه از انتخابات مانند انتخابات قبلی در شرایط اشغال عراق از جانب آمریکا و انگلیس بر گزار میشود.

آمریکا دیکتاتوری صدام حسین را سرگون کرد. این عمل آمریکا دو علت داشت. ۱- جلوگیری از دست یابی عراق به سلاح کشتار جمعی. ۲- استقرار دموکراسی در عراق دیکتاتور زده. حالا ۷- سال است. اشغالگران آمریکائی نه اثری از سلاح کشتار جمعی پیدا کردند و نه دموکراسی در عراق بر قرار گردید. بر عکس کشور در حال رشد عراق به ویرانی مبدل شد ساختار زیر بنای آن بکلی نابود گردیده. بجای بر قراری دموکراسی هرج و مرج، ترور و جنگ مذهبی این کشور مهد تمدن باستانی را فرار گرفته، آن را از پای در می آور. خبر گزاریهای جهان هر روز خیر انفجار بمب در شهرهای عراق بویژه در بغداد و کربلا و کاظمین و نجف شنیده میشود و دهها کشته و زخمی بجای میگذارد.

حالا کشته و زخمی شدن میان سربازان آمریکا دیده نمیشود. زیرا آمریکا بعد از «صدور دموکراسی» به عراق کوله بار خود را جمع می کند تا عراق را مانند ویتنام ترک کند و مجبور است ترک کند. این مردم عراق است که باید. اداره امور خانه خود را بدست بگیرد. ثبات سیاسی را به کشور خود باز گرداند. ویرانی های زمان جنگ را باز سازی کند. وحدت ملی واقعی را تأمین نماید. حقوق ملی اقلیت ها قومی را به رسمیت بشناسد. خصومت های مذهبی را کنار بگذارد همه اهالی عراق صرف نظر از منسوبیت قومی مذهبی خود در اداره امور کشوری سهمی داشته باشند. چنین شرایطی در بر قراری دموکراسی و آزادیهای سیاسی ممکن است. تردیدی نیست تک تک شهروندان. عراقی اعم از عرب و کردو. سنی و شیعه آمادگی دارند در خانه واحد خود با هم در صلح و صفا زندگی کند. امید بر این است انتخابات که یک تمرین دموکراسی در عراق است بر گزار شود و بعد از بیرون رفتن نیروهای اشغالگر خارجی مردم اداره امور کشور را بدست بگیرند در باز سازی کشور خود فعالا نه شرکت کنند. تا از باز گشت دیکتاتوری جلوگیری شود. عراق با حفظ سنن ملی و قومی در شرایط دموکراتیک زندگی کند به عبارت دیگر آزادی احزاب، آزادی بیان آزادی قلم آزادی گردهمایی تأمین شود.

لاهرودی

سال روز در گذشت دکتر محمد مصدق

۴۳ سال از روزی میگذرد که دکتر محمد مصدق در تبعیدگاه خود در احمد آباچشم از جهان فروبست مصدق شخصیتی بود ملی او در طول زندگی خود علیه استعمار مبارزه کرد. مصدق در عین حال شخصیت آزادمش و ضد استبداد بود. او در مقابل این «گناه کبیره» مورد مؤاخذه قرار گرفت. در سالهای حکومت پهلوی ها از پست استانداری کنار گذاشته شد و بالاخره از طریق کودتای نظامی از نخست وزیری قانونی خلع گردید، به سه سال زندان محکوم گردید، و بعد عمر خود را در تبعیدگاه احمد آباد به پایان رساند. در همان محل نیز به خاک سپرده شد. هر سال دوستان و نزدیکان وی بر سر قبر او جمع میشوند. خاطره او را گرامی میدارند. امسال اجازه داده نشد مراسم یاد بود مانند سال گذشته بر گزار شود.

به نظر میرسد حکومت هراس دارد مخالفین از این فرصت استفاده کنند، تظاهرات راه بیاندازند و «آرامش» شهر را

به هم بزنند. بقیه در ص ۱۲

جای تأسف است که حکومت کوشش می‌کند. شخصیت‌های ملی مانند. مصدق در خاطره‌ها نماند و به شخصیت گمنام مبدل شوند.

مصدق در ردیف شخصیت‌های ملی، آزادمنش ضد استبداد و ضد استعمار قرار داشت. او درک میکرد. ایران مستقل بدون مبارزه علیه استعمار جز محال است. بنابراین به محض در دست گرفتن قدرت حکومتی پایه‌های استعماری انگلیستان را سست نمود. نفت را ملی کرد بدین وسیله ضربه محکمی به استعمار گران وارد آورد، کارمندان کارشناسان انگلیس را از ایران بیرون راند. در این مرحله از نهضت رهایی بخش ایران مصدق زیر فشار استعمارگران بین‌المللی قرار گرفت. مصدق در برابر این حملات مقاومت کرد، در سازمان ملل، در دادگاه بین‌المللی لاهه پیروز شد، شاه از ایران فرار کرد. آمریکا وارد عمل شد. نماینده ویژه او در تهران بطور مخفی فعالیت ضد مصدق را گسترش داد و با کمک نظامیان وابسته به امپریالزم آمریکا و با راه انداختن تظاهرات او باش توانست حکومت مصدق را ساقط کنند، شاه به ایران بر گردد بگیر به بندها میان آزادیخواهان و احزاب چپ بخصوص حزب توده ایران دامنه گسترده تری بخود گیرد.

طبیعی است که در سقوط حکومت مصدق عامل خارجی نقش تعیین‌کننده داشت اما نباید. فراموش کرد که عامل داخلی نیز بلاه اثر نبود. بویژه عدم قطبیت مصدق مانع آن شد که وحدت نیروهای ملی تأمین گردد، بدین وسیله اجرای کودتای ۲۸ مرداد جلوگیری بعمل آید.

۱- لاهردی

ملت‌سازی چپ و پریشان‌گویی‌های داریوش همایون

گفتن است. هرچند نشانه‌های نوبی در گفتار، نوشتار و کردار ایشان به چشم نمی‌خورد. در گفتار و نوشتار خود، اغلب در پشت‌واژه‌های ملی‌گرایی، دموکراسی و حقوق شهروندی پنهان می‌شود تا کینه، نفرت و اتهامات دوران جوانی و وزارتت را در رابطه با نیروهای چپ بر زبان آورد. به نظر می‌رسد این کینه شتری همانی است که با شیر درون شده و با جان بدر می‌شود. زیرا به نوعی از دموکراسی باور دارد که در آن یک زبان، یک ملت، یک روش، یک فرهنگ همراه با یک پیشوا بنام شاه و یا ولی فقیه وجود دارد و یک حزب فراگیر هم جامعه را اداره می‌کند.

داریوش همایون در راستای جاه‌طلبی‌های خود در نوجوانی به سیاست پیوسته، در احزاب راست افراطی پرورش یافته، به شدت ضد چپ و منکر گوناگونی‌های ملی و زبانی در گستره وسیع و پهناور ایران است. ایشان در رابطه با فعالیت‌های سیاسی خود می‌نویسد: ما از ستاینندگان پر شور رضا شاه بودیم، دموکراسی را تجملی بیش نمی‌شمردیم و کمونیسم را برای ایران مرگبار می‌دانستیم، اعتقادی که گذشت زمان آن را شدت بخشید... پس از تشکیل حزب سومکا (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) بدان پیوستیم که سازمانی کوچک ولی بسیار پر تحرک و رزمجو بود و تقلیدی تمام عیار از حزب نازی آلمان (داریوش همایون، گذار از تاریخ، ص 31) این گروه‌های شبه فاشیست و خشونت طلب با اندیشه ورزان آزادی‌خواه، بویژه چپ‌گرا برخوردار خصمانه می‌کردند و با پوشیدن یونیفورم سیاه و بازوبند صلیب شکسته با الگو برداری از هم‌کیشان خود در آلمان به گردهم‌آیی‌های کارگری

در پی انقلاب 1357 و سرنگونی نظام دیکتاتوری شاه، دولتمردان و سران نظامی وابسته به رژیم شاهنشاهی سرنوشت پیچیده و گاهی تأسف‌باری پیدا کردند. برخی با آگاهی از آینده، ماه‌ها پیش از انقلاب با کوله‌باری از دلارهای نفتی به بهانه‌های گوناگون به خارج از ایران رفتند و برخی دیگر فریب سخنان خمینی و رحمت و رأفت اسلامی را خوردند که متأسفانه جان باختند. در این میان برخی هم نخست‌گرفتار دوران گذار بختیار و دولت موقت شده با مشاهده کشتار بی‌رحمانه سران نظامی شاه به دست حاکمان شرع از فرصت بدست آمده استفاده کرده از راه‌های گوناگون خود را به بیرون از مرزها رساندند. در خارج از کشور هر کدام از این دولتمردان سرنوشت جداگانه‌ای پیدا کردند. آنهایی که با پول آمده بودند و روابط خود را از پیش داشتند به ثروت اندوزی پرداختند و زندگی مرفه خود را با تغییر جغرافیا پیش بردند. برخی هم با خیال گذشته و در آرزوی برگشت به دوران گذشته به زندگی خود ادامه دادند. در این میان برخی هم به نقد گذشته پرداختند. با نوشتن خاطره، سرگذشت و تاریخ دوران گذشته به تطهیر و پاکدانی خود پرداختند. اغلب آنان که دل‌باخته رژیم پیشین بودند، انقلاب را دسیسه خارجی‌ها برای پیشگیری از رشد اقتصادی و اجتماعی کشور خواندند، و هرگز علت واقعی انقلاب و خواست مردم را بر زبان نیاوردند. یکی از مردان شاه که خود را دلداده نظام مشروطه می‌داند و در این مدت طولانی قلم را از دست و میکروکون را از پیش رو دور نکرده، داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی دوران شاهنشاهی حاست. ایشان پر تلاش و پر شتاب در نوشتن و سخن

واحد های ملی و به گفته ایشان سازمان های قومی می گذارد و ادامه می دهد. گرایش چپ از آغاز در موضوع یکپارچگی ملی و سرزمینی ایران به طرف عوضی تاریخ غلتید... در این سی ساله نیز راه آمدن با سازمان های قومی به رغم هر انحراف ارتجاعی یا ضد ملی از سوی آنها سیاست کلی چپگرایان بوده است. این دانشمندی دانش، این سیاست مدار بی سیاست و این وزیر اطلاعات بدون وزارت خانه حکم صادر می کند که چگونه نیرو های چپ با حساب های غلط ملت سازی می کنند تا ایران را تجزیه کنند. هیستری ضد چپ به قدری در ایشان پیشرفت کرده است که درمان پذیر نیست هر چند گفتار بی پایه ایشان تأثیری در آینده سیاسی ایران نخواهد گذاشت و نیرو های چپ به واقعیت های تاریخی ایران آشنایی دارند. از آن رو سال ها پیش بویژه در پی جنبش مردمی آذربایجان و کردستان به این نتیجه رسیدند که در ایران واحد های ملی و قومی گوناگونی زندگی می کنند که ویژه گی های ملی و قومی خود را دارند، با شناخت آن می توان انگیزه های مشارکت و همکاری را در راه رشد اقتصادی و اجتماعی و مبارزه با استبداد سیاسی گسترش داد. برخی از احزاب سیاسی چپ این واقعیت اجتماعی را حتی در برنامه سیاسی خود گنجانده اند. در این راستا در برنامه حزب توده ایران آمده است. حزب توده ایران طرفدار اتحاد خلق های ایران بر اساس موافقت داوطلبانه آنهاست و معتقد است که برای ایجاد یک اتحاد واقعی و معنوی بین خلق های ایران بر اساس برابری و دوستی باید ستم ملی ریشه کن شود. بنابراین معتقد است که حکومت دمکراتیک در مورد حل مسئله ملی عمل خود را بر مبنای زیرین قرار دهد.

1/ تأمین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش

2/ شناسایی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخوردار شدن از کلیه حقوق اجتماعی، فرهنگی و ملی خود (ح ت ا، اسناد و دیدگاه ها، ص 419)

در سال های اخیر فعالیت گسترده ای در جهان برای شناخت حقوق اقلیت های قومی و ملی آغاز شده و از سوی نهاد های بین المللی پشتیبانی می شوند. منشور سازمان ملل، حقوق بشر، کنوانسیون های جهانی این حقوق را به رسمیت شناخته و دولت ها را موظف به اجرای آن نموده اند. ایران از جمله کشور هایی است که در آن واحد های گوناگون ملی و قومی سال ها است در کنار هم زندگی می کنند، با هزاران رشته پیدا و نا پیدا به هم گره خورده اند، سال های طولانی هم سرنوشت بوده گرفتار ظلم و ستم استبداد بودند و حالا هم گرفتار رژیم جهل و خرافات و تاریک اندیشی شده اند. در بقیه در ص

شرایط امروز مهمترین گسل اجتماعی و سیاسی در ایران، حق و حقوق واحد های ملی است، برای رسیدن به آزادی و دمکراسی در ایران همکاری این واحد ها ضروری، الزامی و اجتناب ناپذیر است. تمرکز و تجمع قدرت سیاسی و اقتصادی در یک مرکز با هر نامی تا به امروز به استبداد انجامیده است با پرهیز از آن و تقسیم قدرت و نظارت بر عملکرد آن می توان به دروازه دمکراسی پا نهاد...

دکتر محمد حسین یحیایی

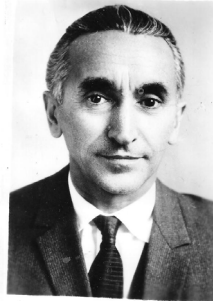
mhyahyai@yahoo.com

حمله می کردند. با بمب های دست ساز به دفاتر حزب توده ایران و خانه های مسکونی افراد حزبی حمله ور شده خشونت را در جامعه گسترش می دادند. همایون خاطرات خود را در کتابی به نام من و روزگارم که یادآور دست نوشته های پیشوایش در آلمان نازی به نام نبرد من است، انتشار داده و در آن به مطالب مهمی در رابطه با خود و اندیشه هایش پرداخته است. در کتاب بلند پروازی ها و جاه طلبی های خود را به نمایش گذارده از گذشته خود همراه با ناخشنودی احساس رضایت می کند. زندگی را مانند بازی قمار می بیند که برد و باخت دارد. به خشونت سیاسی باور دارد و تجربه آن را از کودکی و نوجوانی به یاد دارد و در این راستا می گوید. کشور ما باید پر از خنجر های تیز و حیوانات درنده شود، بکشد و کشته شود. نفرت در روح و روانش به قدری لانه کرده که از خانواده نفرت دارد و آن را بر زبان می آورد و در جایی می گوید. یک دنیا نفرت در درونم پر شده، اگر می توانستم به جنگ دنیا می رفتم. (داریوش همایون، من و روزگارم، در گفتگو با بهمن امیر حسینی، نشر تلاش، هامبورگ 1387). این ذهنیت همزمان خود را دمکرات و طرفدار حقوق بشر می خواند! و در تلاش است بعنوان فعال سیاسی و اجتماعی به جنبش سبز که به شدت خشونت گریز است رهنمود دهد و متذکر شود که با واحد های ملی در راستای دمکراسی و گسترش آن در جامعه استبداد زده و گرفتار آمده در دست شیخ و شاه همکاری نکند.

داریوش همایون هنوز به نظام تک حزبی و تک صدایی با نام حزب اله و یا رستاخیز باور دارد. در حزب رستاخیز به مقام مهمی دست یافته بود و در دولت جمشید آموزگار هم به وزارت اطلاعات و جهانگردی رسید که چشم و گوش نظام باشد. به نظر می رسد که هنوز هم خود را وزیر اطلاعات می داند و در رابطه با فعالیت واحد های ملی و اقوام ایرانی گزارش می دهد. در سایت تلاش در جواب پرسشگری که می پرسد، نظر شما در باره ی برخی تحلیل ها مبنی بر عدم حمایت گسترده سایر شهر ها و مناطق کشور از جنبش سبز و در نتیجه محدود ماندن جنبش و دست باز تر رژیم در سرکوب آن، جواب هایی می دهد که به راستی حیرت انگیز است. نخست ساز گذشته را کوچ می کند و به انکار واحد های ملی می پردازد، سپس این واحد ها و اقوام را ساخته و پرداخته نیرو های چپ می پندارد و هشدار می دهد که آنها در آرزوی جدایی از ایران و ایرانی هستند. در ادامه به جنبش سبز می گوید، شما نیازی به یاری این واحد ها (سازمان ها) ندارید، زیرا خواست آنان در نوشته های ملت سازان که همان احساس بیگانگی است دیده می شود. برآستی همه مردان شاه و رژیم استبدادی گذشته اینگونه بودند؟ ملت را نیرو های سیاسی می سازند؟ آیا جامعه شناس ها و پژوهشگران علوم اجتماعی به این گفتار سخیف و بی پایه نمی خندند؟ این طرز تفکر شخصی است که سال ها در مطبوعات قلم زده و بر کرسی وزارت نشسته است! با گذشت بیش از سی سال در مهاجرت و زندگی در اروپا هیچگونه تغییری در اندیشه های استبداد زده ایشان مشاهده نمی شود. دشمنی این به اصطلاح روشنفکر و متفکر سیاسی با واحد های ملی به قدری عمیق است که در بخشی از گفتار خود از کشتار بی رحمانه رژیم جمهوری اسلامی در استان های مرزی حمایت می کند و بار این جنایات هولناک را بر دوش

قازان‌دیکدان سونرا مقایسه انتدیکده حرکت اورقانلارینین (عظله- اویناق) خسته لیگی داها آرتیق درجه ده گوزه چارپیر و بو خسته لیکله زحمت انسانلاری نین مراجعتی اوستونلوک تشکیل ایدیر. اودو که، ساحه ده پشه کار متخصص حکیم اولماق ایچون باکیدا ینی جه تشکیل اولونان آذربایجان فیزی او توراپیا کوروت کوروت لوگییا اینیستیتوندا کورس کچیر. اینیستیتونون مدیریتی احدی نین تشه بوسکار، حافظه لی اولدیقی نی گوردیکده آذربایجان صحیه ناظرینه دکتر احدی نین بیلگیلی و باجاریق لی اولدیقی ایچون اینیستوتدا معلم - حکیم کیمی قالماسینی مکتوبلا خواهش ایدیر. راضیلیق الده ایدلدیکدن سونرا دکتر احدی حکیم - معلم کیمی اسپرانت اولاراق مشهور «نفت آلان» نفتینین مختلف حاللار و فورمادا ترکیبی نی اویرندیکدن سونرا، تطبیق اصوللارینی دا اویرنمک ۱۹۵۷- مجی ایلین دکابر آیندا نامزدلیک مدافعه سینی موفقیتله ایدیر. ئوز علمی - تجربی بیلگیلی گوندن - گونه آرتیران دکتر احدی حسین «نفت آلان» نین خسته لیکلرده چوخ ساحه لی معالجه خاصه سینه مالک اولدیقی نی، ترکیبینه کی حصه جیکلرین (کومپوننتلر) عظله - اویناق آغریلاریندا اهمیتلی درجه ده مثبت تاثیرینی گورور. تجربه ده گوزنیلین نتیجه لرین ثمرلی اولدیقتا امین اولدیقدان سونرا ۱۹۷۱- نجی ایله دکترلیق مدافعه سی نی باشا چاتدیریر. دنیا طبابت عالمینده خصوصی یری اولان «نفتآلان» ین یارانیشی، ایلك منشتی، انکشافی و کیفیتینی عکس ایتدیرن بو دکترلیق ندافعه سی اثری ئوزی نین گنیش شرحی ایله، ماراقلی و دولقون لیقی ایله اوزمانا کیمی سویله یازیلان بوتون گوروشلری ئوزونون ایناندیریجی رقم و فاکتورلار سویکندیکی ایله فرقله نیرو بو اونون ایللرله آپاردیقی سیناق - تجربه سی نین مجموعی اولاراق مختلف طبی علمی ژورناللاردا چاپ ایتدیردیگی مقاله لرینده ده ئوزینین عکسی ایتدیریر. اونلارلا سایب اولان بو مقاله لرده نفت آلامیم هانسی فورمادا استفاده معالجه

دکتر احدی - ۹۰



(اونودولماز - ۳)
ای تورپاق لعل پرجان
آذربایجان، آذربایجان.
شادروان شاعر.

ملی طبابت تاریخیمیزه بیر سیرا خارجی ئولکه لرین طبی تاریخینده عوض اولونماز ایز قویان، شفالی اللری اولان، اونودولماز کورکملی عالم دکتر حسین احدی حضرت قلی اوغلونون بو ایل آنادان اولماسی نین ۹۰ - نجی ایلی تمام اولور. دکتر حسین احدی - عالم، حکیم، پداقوق و انسان کیمی یاشادیقی مهاجرت دورینده معنالی، شرفلی کچدیگی عمر یولی حیات، معنویات، انسانلیق، خیر خواهلیق، کامل لیک، ئوزینه اینام و مودریکلیک مکتبیدیر. آذربایجان طب علمینه عوض اولونماز توفه لر ویرن دکتر احدی حکیم - قیزیم او تراپوتیک کیمی ئوز علمی، بیلگیلی و باجاریق ایله جمهوریده یاشایان بوتون خالقلارین طبه احتیاجی اولان نماینده لرینه اورکله طبی خدمت گوستردیگیندن چوخ دانشماق و یازماق اولار.

احدی حسین ۱۹۲۰- نجی ایله بیر طرفی مأوی خزر، بیر طرفینین یاشیل مشه لی بزمیش دوغما آستاراشهرینده دنیایا گوز آچمیشدیر. ۱۹۵۳- نجی ایله نریمان نریمانوف آدینا آذربایجان دولت طب اینیستیتونون معالجه - پروفلاکتیکا شعبه سینی بیتیرمیشدیر. ائله همین ایلین ایول آیندا اصل حیات و تجروبه مکتبی اولان کنده - خاچماز منطقه سی نین چوخ ملترلین نمایندلرینین دائینی یاشایان و ایشله ین قصبه سی اولان آکسه یووکا- Alekseyovka - قصبه سینده کی طبی منطقه یه باش حکیم گوندیرلمیشدیر. بورادا بیر مدت ایشله بیب تجروبه

ده درین اولدیقتی من حس ایتیمشم. هر جور (لازم سیز) محاکمه لردن قاچان احدى انسانین نطق عالمیندن سوزولوب گلن، اینجه دُو قیله دیبلین حکمتلی، علمی اخلاقی معناسی اولان فکرلره قولاق آسماقی دا انسان دا فرح اوپادیر. نظری- تجروبی بیلیگی کامل اولدیقی چوخ سویندیریجی دیر. ایلک ایللرده معنوی ضربه آلان، ایکی اوشاقین تربیه- تعلیمی ایله مشغول اولماقلا خارجه و داخلده اونلارلا پشه کار حکیم لر نسلی تبریک، یوزلرله طبی تجربه قویماق، نتیجه لری مقایسه اتمک و بله بیر سامباللی دکترلیق مدافعه سی یازماق و باشا چاتدیرماق هر آدامین ایشی دگیلدیر. بونا متین اراده، یوخوسیز گجه لر و درین بیلیک لازم دیر. بونلارین هامیسینین دکتر احدى دیده اولماسی سویندیریجی و حیران ایدیجی دیر.

کامل انسانلار ایللر اوتدیگجه علم تاریخینده یاشایانلار داها حرمت و بویوک قیمت قائل اولورلار. چونکه بله انسانلار منسوب اولدیقلاری خالقین و وطنین گوستریجی لریدیرلر. بونلارین سیراسیندا طبیعی خالق طبابتینین معاصر طبینین نظری و تجروبی نائلتیرلیله زنگین لشدیریپ توکنمز ثروتیمیز اولان نفت آلان نفتینین بطنیندن توتמוש او گونه کیمی بیر چوخ دردلره شفا وریجی سرلرینی گنیش معنادا نظری بیلیک و فایدالی تجروبی ایشلریله اساسلانديران دکتر حسین احدى نین دا آدی ملی طبابت تاریخیمیزده دائیمی شرفله یاشایاجاق و حرمتله یاد ایدیله جکدیر.

دکتر غفار کاوه – مغالنی

۱۷ فورال ۲۰۱۰ - نجی ایل

اولماسیله علاقه دار اولراق داخلی عضولریده خصوصیه اورگده نه کیمی کیفیت و کمییت دگشریکلر باش ویریدیینی معاصر طبابت اولچی لریله مقایسه لی دقیق لشدیرمه آپارراق نوز قطعی فکرینی دمیشدیر. باکی شهری نین بیر چوخ پولی کلینیکالاری و شیخ اوف سانی توریباسی نین فیزی اتراپوت حکیم لری دکتر احدى نین معالجه اصولیندان دائیما یارارلانیرلار. آذربایجانلیلارلا برابر تورکیه ترکمنستان و تاجکستان جمهوریلریندن اولان طی فیزی اتراپوت حکیملرین حاضرلانماسیندا دکتر احدى نین دگرلی خدمتی اولموشدور. بو جمهوریلرده ایشله یین و دکتر احدى نین بیلیک و تجربه سینده ن بیر نچه آی فایدالان ملی فیزی اتراپولریندن گلن تشکر مکتوبلارینی تک- تک اوخودیقدا انسان قلبی فرحله دولور. بو مکتوبلارین ایچریسینده بیر فدائی مکتوبینا راست گلدیم. او یازیر: سلام دکتر احدى ایللرله آغیر بیان بکیم قیچلاریمین عذابیندان منی خلاص ایتدیگی ایچون سیزه مندارام. من ینه ده نوز ده ده بابا صنعتیم اولان کان کان چلبیقا قایتیمیشام. مرحمتلی و قایغی کشلیگینیزی عمریم بوی اوئودمایاجاقام. الله سیزه یار اولسون. سییدی میر کریم. شمکیر. چنارلی قصبه سی. ۹ ایول ۱۹۷۱- نجی ایل. محبت دولی بو منتدارلیق مکتوبونی اوزاقلاردا یاشایان سییدی میر کریم ملی حکومت دورینده مرنده- علمدار شهربانی سینین مامورلاریندان بیریدیر.

تانیمیش فارماگولوگیا و پات فیزی آلوگیا کافرادی نین (آذربایجان طب اینیستوتی) پروفوسوری کورکملی عالم پروفوسور جواد تقدیسی دیردی: دکتر احدى بیر موضوع حقیقنده طبی - علمی و یاخود غیر علمی صحبت ایدیرکن کیفیت آلینیر، بوندان مقابل طرفده هوس اوپاندیقی ایچون رقابت یوخ صحبت محبتله نوز آخاریله اوزانیر و بله لیکله یوروتدیگیمیز علمی فکرو محاکمه نین آچیق شکله بیان اولماسینا کمک لیک ایدیر. اونون صحبتینده صمیمی و علوی قابلیتین یوکسک درجه

نهاد های نظارتی بر عملکرد دولت از سوی دیگر زمینه رشد استبداد را فراهم آورد. و بار دیگر برای خاتمانسوز و همیشگی این جوامع که همان استبداد است فرصت رشد یافت. قانون اساسی از سوی استبداد به کناری نهاده شد، خواست و اراده نظام مستبد خود قانون شد. در این میان کم کاری، پراکندگی در بین نیرو های سیاسی بویژه واحد های ملی و عدم همکاری آنها در حفظ دستاورد های حقوقی و سیاسی مشروطه، به رشد و تثبیت استبداد یاری رساند. پروسه رشد و تثبیت استبداد و دیکتاتوری در دو دوره پهلوی اول و دوم افت و خیز های فراوانی داشت. در دوره دوم حکومت رضا شاه که قدرت سیاسی و اقتصادی در مرکز متمرکز شده بود، هرگونه جنبش آزادی خواهی مخالفت با نظام و امنیت ملی خوانده شد و آن حرکت به شدت سرکوب گردید. و به بهانه حفظ امنیت، همه هسته های مقاومت که در مقابله با استبداد در آذربایجان و کردستان شکل می گرفت متلاشی شد. در پهلوی دوم پروسه استبداد با کودتای 28 مرداد 32 آغاز و با همکاری بیگانگان به سرعت گسترش یافت و در دهه چهل به تثبیت قدرت سیاسی شاه انجامید. با افزایش درآمد های نفتی در نیمه اول دهه پنجاه استبداد به اوج خود رسید. در این مرحله هم جبهه واحد ضد استبداد بین نیرو های مترقی و آزادی خواه تشکیل نشد. در این میان با گسترش استبداد در گستره کشور، همکاری بین واحد های ملی هم از بین رفته بود، استبداد از هرگونه تشکلی وحشت داشت و از آن جلوگیری می کرد. استبداد هم زمان با افراد، با سازمان ها و نهاد های سیاسی هم برخورد خصمانه می کرد. رژیم در انزوایی قرار گرفته بود که خود برای خود ساخته بود. در زندانی به وسعت ایران گرفتار آمده بود. سرنوشت رژیم های استبدادی است. استبداد در روند تکاملی خود به مرحله ای می رسد که همه راه های خروجی از بحران را مسدود می کند. تنها عده ای از مزدوران، جیره خواران، چابلسان رژیم استبداد بر این باورند که پایدار خواهند ماند، از آن رو معترضان را تهدید می کنند و دشنام می دهند و همینگونه استبداد زمینه قیام و انقلاب را فراهم می آورد. دیگر راهی جز قیام عمومی و انقلاب باقی نمی ماند. انقلاب 22 بهمن 1357 تهی از اندیشه و تنوری با گفتمان حاکم در آن روز که انقلاب بود تحقق یافت. تنها خواست عمومی مردم و واحد های ملی در ایران رسیدن به آزادی بود که در سایه آن بتوانند به حقوق دموکراتیک خود دست یابند. این خواست دیرینه مردم پس از مدت کوتاهی به یأس و ناامیدی انجامید. رژیم جدید قدم به قدم پیش رفت و با تثبیت خود حاکمیت مطلق گرای خود را زیر نام ولایت فقه بر قرار کرد. بار دیگر قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در یک مرکز و زیر نظر یک شخص و گروه مشخصی قرار گرفت. قانون اساسی نیم بند هم که هرگز اراده آزادانه مردم در آن بازتاب نیافته بود به اجرا در نیامد. اصل 9، 15 و 19 از قانون اساسی که به

سخنی پیرامون واحد های ملی و جنبش سبز

مبارزه برای آزادی و آرزوی رسیدن به دموکراسی در جامعه چند فرهنگی ایران تاریخ دیرینه ای دارد. بیش از صد سال است مردمان ستم دیده و زجر کشیده ایران برای رهایی از دست استبداد و ارتجاع تلاش می کنند، آنان می خواهند از نعمت بزرگ آزادی که دستاورد بشر در طول تاریخ است بهره مند شوند، عقل و خرد را جایگزین جهل و خرافات سازند و بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود حاکم شوند. مردم میهنمان، در این راه دراز و پر پیچ و خم و پر فراز و نشیب گاهی پیروز شدند و گاهی هم با تحمل مشقات فراوان شکست را پذیرفته برای مدتی عقب نشینی کرده اند، ولی هر بار بر تجربه خود افزوده اند، تا به هدف و مقصود خود که همان آزادی است برسند. هر چند در انتقال این تجربه به نسل بعدی گاهی دچار مشکل شده اند، زیرا استبداد و ارتجاع با تمام توان و قوا مانع از شکل گیری و پیوستگی ای مبارزات شده است.

نگاهی گذرا به این مبارزات نشان می دهد که هرگاه بیگانگی در هدف و عمل بین واحد های ملی در ایران پهنور بر قرار شده، مبارزات در آن مقطع به پیروزی رسیده است، در نتیجه استبداد حاکم مجبور به پذیرش شکست شده و یا برای مدتی عقب نشینی کرده است تا در زمان و شرایط مناسب، بار دیگر بین این واحد ها و مردم مبارز شکاف اندازد. تا استبداد خود را باز سازی کند. انقلاب مشروطیت، جنبش مردمی آذربایجان و کردستان، مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت و انقلاب 1357 از نمونه های بارز این اتحاد است که در برخی موارد با کارشکنی ارتجاع، پروسه های ناکامی آن خیلی زود آغاز شده است.

هسته های انقلاب مشروطه از سوی روشنفکران و زحمتکشان آذربایجانی که برای کار به آن سوی فققر می رفتند در سرزمین ممالک محروسه ایران کاشته شد، با فداکاری و زحمات پی گیر آنان بارور شد و به بار نشست. حکام قاجار مجبور به پذیرش مشروطه و قبول ناخواسته آن شدند تا در فرصت مناسب با بازسازی نیرو های مرتجع و وابسته بخود آن را بخشکانند. فرزندان آذربایجان با هوشیاری برای حفظ انقلاب مشروطه و دستاورد های محدود آن به تهران آمدند و فداکاری های بسیاری از خود نشان دادند. نمایندگان دوره اول بویژه از آذربایجان و شمال ایران بر این باور بودند که تمرکز قدرت در یک نهاد، شخص و یا نقطه کشور به استبداد می انجامد، از آن رو در متمم قانون اساسی مشروطه انجمن های ایالتی و ولایتی را مطرح کرده و آن را در قانون اساسی گنجانند. با همه این تلاش ها، عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از یک سو و نبود

برون رفت تسلیم به اراده و خواست مردم است. جنبشی که از فردای کودتای انتخاباتی با نام سبز شکل گرفته، خواست و هویت مشخصی را با ویژگی های زمان به همراه دارد. گفتمان آن اصلاحات و تغییر ساختار است. 30 سال کلی گویی اسلامی و ادعای پوچ و تو خالی روحانیت را که همه تنوری های لازم و ضروری را در اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی، حقوق و دیگر علوم دارد را به چالش می طلبد. زیرا آنچه گفتار در عمل راه به جایی نبرده است، هنوز بعد از گذشت این مدت طولانی و تباهی میلیون ها ایرانی، روحانیت حاکم آینده را در گذشته جستجو می کند. با جاه طلبی و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، در آرزوی روز هایی هستند که با اجرای قوانین اسلامی، شرعی و فقهی جامعه شکوفا شود.

جنبش توده ای مردم که نام سبز بخود گرفته است بگونه دیگری به جامعه، قانون مندی آن و شرایط روز می نگرد، این جنبش پرسشگر است، تنوری دارد، استمرار، پایداری و تداوم از خود نشان می دهد. جنبش سبز به شدت از خشونت پرهیز می کند و در پروسه عمل، هم از ایدئولوژی و هم از چاشنی های پیرامونی آن دوری می کند. در دام رادیکالیزم نمی افتد، از این رو خواست رژیم را که ایجاد خشونت و درگیری در جامعه است خنثی می کند. به اجرای قانون اساسی و اصل 27 متوسل می شود، راه کار های برون رفت از بحران را به زبان می آورد، با آنکه می داند رژیم چشم بینا و گوش شنوا ندارد. خواسته های خود را شفاف تر از گذشته تکرار می کند. عملکرد جنبش تعادل رژیم را به هم ریخته است، رژیم با همه توان مالی قادر به حفظ نیرو های خود برای دراز مدت در خیابان و صحنه نیست، ترس، یأس و ناامیدی و خستگی در چهره آنها مشاهده می شود. از آن رو شکاف و ریزش از بالا آغاز شده است، دیگر کلمه بحران که تا چندی پیش گفته نمی شد و خودی ها از گفتن آن پرهیز می کردند بر زبان ها جاری است، برخی از دولت مردان و حتی شهردار تهران می گوید در شرایط بحرانی کار های روز مره هم پیش نمی رود. برخی از روحانیون تند رو برای پیشگیری از ریزش بیشتر و شکاف در جبهه حاکمیت و ترس از آینده خود در آرزوی تجدید کشتار سال 1367 اند که متأسفانه هنوز پرونده آن جنایت عظیم و هولناک در دادگاه های داخلی و بین المللی گشایش نیافته و وجدان بیدار و آگاه بشریت از آن رنج می برد. به هر رو، آنچه در چشم انداز دیده می شود خیزش عمومی مردم بویژه همسویی و همکاری واحد های ملی در این راستا است. زیرا رژیم با استفاده از همه ابزار سرکوب، ایجاد تفرقه در بین توده های مردم، خواهان ادامه همان روش پیشین است.

در کنار پیروزی های روز افزون جنبش سبز و شناخت جهانی آن از سوی نهاد های داخلی و خارجی بعنوان جنبش آزادی خواه و ضد استبداد، کاستی های مهمی هم

گونگونگی زبانی، نژادی و فرهنگی اشاره کرده، استفاده از زبان های محلی را در مطبوعات و رسانه های گروهی آزاد گذاشته بود به فراموشی سپرده شد. رژیم جمهوری اسلامی از همان روز ها و ماه های نخست مبارزه پی گیر خود را با واحد های ملی و خواست آزادی آنها در راستای احیای فرهنگ و زبان ملی و قومی در سراسر ایران آغاز کرد. زیرا بر آن باور بود که باید برای حاکمیت مطلق، پیشبرد اهداف سیاسی مذهبی و ادامه استبداد قدرت متمرکز را باز سازی کند، حمله به ترکمن صحرا، کشتار در کردستان و انحلال حزب خلق مسلمان که برخی از فعالین ملی و یا مذهبی آذربایجان در آن فعالیت داشتند، در آن راستا بود. جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته با هرگونه فعالیت اجتماعی و فرهنگی در این مناطق و در میان واحد های ملی به شدت مبارزه کرده است. برخی از رهبران سرشناس و تاثیر گذار در منطقه را ترور کرده و برخی دیگر را به اتهام های واهی و گاهی ساختگی اعدام کرده است. رژیم سال ها است در این مناطق حکومت نظامی را پیش می برد. در آذربایجان مردمی را که هر ساله بیاد بابک خرم دین در کوهی به همان نام گرد هم می آیند از رفتن به آنجا محروم کرده تا از پیوستن آنان به هم دیگر پیشگیری کند. ادامه ترور، ایجاد خفقان و دستگیری های پی در پی در این مناطق باعث شده که شخصیت های علمی، سیاسی و اقتصادی از آن مناطق کوچ کنند، یا مجبور به ترک میهن خود شوند و یا اندوخته های علمی و یا اقتصادی خود را به مناطق مرکزی کشور انتقال دهند، این روند به تهی شدن آن مناطق از ظرفیت های علمی، اقتصادی و اجتماعی شده است. نگاهی گذرا به اوضاع اقتصادی کشور نشان می دهد که هر ساله بر میزان بیکاری، فقر و پی آمد آن در بلوچستان، خوزستان، کردستان و آذربایجان افزوده شده است. بنابراین از یک سو فشار روز افزون اقتصادی و اجتماعی و از دیگر سو خفقان نظامی و استبداد مردم مظلوم و ستمدیده واحد های ملی را غافلگیر و گاهی زمین گیر کرده است. از آن رو ظرفیت مهمی در مقابله با رژیم، ولی نهفته و پنهان در بین واحد های ملی موجود است که با شعله ور شدن آن سرنوشت سیاسی کشور دگرگون خواهد شد.

با نمایی که به نام انتخابات در 22 خرداد 88 به اجرا در آمد و کودتای عریان نظامی و امنیتی خود را ظاهر کرد، شرایط دیگری بر جامعه حاکم شد، در یک سو توده های مردم با دست خالی، خون و دل های نهفته در 30 سال گذشته را با مسالمت فریاد می زنند و در سوی دیگر رژیم با استفاده از همه ابزار سرکوب جنایت می آفریند، زندان ها را پر می کند، شو های تلویزیونی راه می اندازد، جوانان مبارز را به جوخه های اعدام می سپارد. ولی جامعه خسته از استبداد به قدری متشنج و بحرانی است که سر باز ایستادن ندارد. اغلب کارشناسان و اندیشه ورزان علوم اجتماعی بر این باورند که راه

اگر ایران لرزانده شود چه میشود؟

آنوقت ها که در کلاس سوم دبستان درس می خواندم، بعلمت قد نسبتاً بلند در ردیف های وسط نشاندۀ شده بودم و نوشته های تخته سیاه را که بر اثر فرسایش دچار تغییرات کیفی گردیده و بسیار ناصاف و سربی رنگ شده بود را خوب نمیدیم، بهمین خاطر و بعلمت عدم دید دقیق و عدم درک مطالب نوشته شده، دچار خطا میشدم و از سوی معلمین خود مورد مواخذۀ قرار می گرفتم تا اینکه یک روز خانم معلم زیبا و مهربان من متوجه این حقیقت شد و دید که چگونه من برای بهتر دیدن نوشته های روی تخته سیاه مجبور میشوم پلک های چشمانم را بهم نزدیک کنم تا تصاویر و مفاهیم را روی قرینه چشم تنظیم کنم و فاصله کانونی و... بر قرار شود تا مغزم بتواند درک بهتری از آنها پیدا کند. از همین رو به سرم داد کشید و گفت «تو مگه نمی بینی؟» مانند مات و مبهوت که چه جوابی بوهم؟ اگر بگویم نه نمی بینیم همکلاسی هایم مرا کور خطاب خواهند کرد و سوژه ای برای تفریح و شوخی آنها خواهم شد و اگر بگویم نه این وضع دوام پیدا خواهد کرد و خطای درک عمیق تر خواهد شد. بخودم هی زدم و جسارت پیدا کردم و با صدای غیر عادی گفتم «بله خانم من مدتهاست دچار این وضع هستم!» خانم معلم با لحنی دلسوزانه و با مهر و محبتی که همیشه بمن داشت گفت «پاشو، کیف و کتابت را جمع کن بر و جلو بنشین و جایی را بمن نشان داد، وقتی در جای جدید خود نشستم متوجه شدم جابجا و نقطه دید با نقطه دید دیگر چه تفاوتی فاحشی با هم دارد. از همان روز یک پنجره جدید برای دیدن بهتر دنیا جلوی چشمان من باز شد! چرا این خاطره را باز گویی کردم؟ برای اینکه وارد اصل مسئله بشوم مسئله این است که یک جوری شبیه همین یاد مانده است. همه شهروندان جهان بمتابۀ شاگردان کلاس در جاها گوناگونی نشسته اند و بسیاری از آنان مثل من نوشته ها و تصاویر به سرعت در حال تغییر تخته سیاه جهان را از زوایا و نقاط دید متفاوتی مشاهده می کنند و روشن نیست چقدر دچار انحراف دید و خطای درک میشوند. برای مثال منی که امروز در این نقطه از جهان نشسته ام روی تخته سیاه هزار رنگ دنیا مشاهده می کنم که کشور بلا زده من آستان حوادث زیادی است و ابرهای سیاهی بر فراز آن در جولان می باشند، طرح و نقشه های زیادی در باره آن کشیده میشود که برخی از آنها بحد کافی ترسناک و خوفناک می باشد. در بین تفسیرها و تحلیل های گوناگون خطر حمله نظامی نیز یچشم می خورد و تصاویر تکه تکه شدن انسانها، ویرانی ها و ریختن بمب های خوشه ای و فسفری و... موجب آزار روح روان میشود، اما راستش را بخواهید این اواخر یک فکر وحشت ناکتری در ذهنم خطور پیدا کرده بویژه پس از زلزله بی همتای هایتی که با معیارهای زلزله های دیگر اصلاً همخوانی نداشت. لرزاندن زمین در هایتی اصلاً جنبه طبقاتی نداشت، چرا که تاکنون زلزله های طبیعی طبقاتی عمل میکرد و به آن بخش از انسانهایی که در خانه های غیر ایمن و مواد نا پایدار و سست پی بنا شده بودند زیان میرساند و افشار و طبقاتی که خانه هایشان از فلز و بتون آرمه، این جور چیزها ساخته شده بود کمتر دچار آسیب میشدند اما در هایتی بر عکس شد!

در آن به چشم می خورد که اگر بر طرف نشوند، مانع از موفقیت آن در آینده خواهد بود. در مرحله نخست باید محور خواسته های جنبش گسترش یابد، حقوق صنفی و خواسته های سیاسی طبقه کارگر را که با اجرای سیاست های ضد کارگری رژیم پامال شده در اولویت قرار دهد. هنوز خواسته های صنفی و سیاسی کارگران به شکل جدی از سوی جنبش مطرح نشده است. بر کسی پوشیده نیست که با نزدیک شدن طبقه کارگر به جنبش قدرت مانور جنبش در همه زمینه ها بویژه در تولید و اقتصاد افزایش خواهد یافت.

آنچه بیش از همه جنبش را به سوی پیروزی پیش خواهد برد، همراه با دفاع از حقوق بشر و حقوق شهروندی، پیوند و همکاری نزدیک با واحد های ملی است. با نزدیک شدن جنبش به واحد های ملی، توده های روستایی و حاشیه نشین های شهر های بزرگ که اغلب از مهاجرین این واحد ها هستند، جذب جنبش خواهند شد. در این میان پخش فعالیت های جنبش در واحد های ملی توانایی رژیم را در برخورد با آن محدود تر خواهد کرد. برخی از هواداران جنبش سبز به اینگونه همکاری ها با شک و تردید می نگرند. برخی از فعالین واحد های ملی هم که فکر و اندیشه افراطی دارند آن را دست آویز قرار می دهند و سعی می کنند با ایجاد شبهه از جنبش سراسری دوری جویند. هر دو سو به فاکت های غیر واقعی تاریخ استناد می کنند. تاریخ، جغرافیای سیاسی کشور، ترکیب اجتماعی و استبداد حاکم بر جامعه، سرنوشت سیاسی این واحد ها را به هم پیوند داده است. مهمترین گسل اجتماعی در جامعه امروز ایران، واحد های ملی است، هرگونه حرکت و جنبش سیاسی و اجتماعی از همکاری و همبستگی آنها می گذرد. دور ماندن آنها از یکدیگر و تبلیغ جدایی راه و خواسته واحد ها سودی به آنها نخواهد داشت. پیشه وری شخصیت برجسته جنبش ملی آذربایجان به دفعات یاد آور شده بود که یکی از دلایل مهم در شکست ما این بود که جنبش به حق ما نتوانست پیوند لازم را با جنبش سراسری و دمکراسی خواهی در ایران بر قرار سازد. تجربه صد سال گذشته نشان داده است که در ایران راه دمکراسی از تقسیم قدرت، نظام غیر متمرکز و فدرالیسم می گذرد که از سوی واحد های ملی به شکل داوطلبانه شکل گیرد...

م. ح. یحیایی

mhyahyai@yahoo.com

اگر ایران لرزنده شود چه میشود؟

برای اسرائیل بدنام نیز خوب تمام نخواهد شد. نمونه عراق، افغانستان هم نمونه های خوبی از کار در نیامد. پس می ماند یکی از آن واریانتهایی که بوش، کلینتون، اوباما سارکوزی، شمیون پرز و نیتاناهو، مرکل و... مرتباً از آن سخن می گویند ممکن است یه چیزی شبیه همین زلزله جدید التاسیس هاینتی باشد که امتحان خود را در هاینتی بخوبی نشان داد. حال فرض کنیم در روزهای سرد و زمستانی سال جاری که مردم جهان با مشکلات زیادی مانند، یخ بندان، قطعی برق، سرما و... روبرو هستند و هر کس بفکر خویشه ایران که در منطقه زلزله خیز قرار دارد، لرزنده شود و بدون آنکه بمب افکن ها با ریختن بمب های بسیار قوی در سطح زمین شکافهای عمیقی ایجاد کنند و با انفجار خود هدفها را ویران سازند، در عمیق زمین فعل انفعالیتهای غیر طبیعی صورت گیرد و زمین لرزنده شود، آنوقت آب از آب تکان خواهد خورد همه کشورها با ایران همدردی خواهند کرد بخش وسیعی از ایران به تلی از خاک، بتوان ارم و... مبدل و میلیونها انسان دچار صزروزیان خواهند شد و نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورهای همسایه ایران نیز دچار بدبختی های فراوانی خواهند شد و آنوقت آمریکا، اسرائیل، فرانسه، آلمان و... به کمک مردم ایران خواهند شتافت و با یک تیر دو هدف زده میشود، اول اینکه مسئله اتمی ایران حل خواهد شد، دوم اینکه در پی کمک های انساندوستانه آمریکا و اسرائیل تغییرات سیاسی اجتماعی باب میل غرب در ایران بوجود خواهد آمد، در اینجا است که دانی جان ناپلئون خدابیارمز به مش قاسم می گوید، مش قاسم مزخرف نگو، اما تو خواننده عزیز یک لحظه در این باره فکر کن اگر ایران لرزنده شود چه میشود؟ سفرهای اخیر مقامات آمریکائی و اسرائیلی و اروپایی به کشورهای همسایه ایران و... را روی تخته سیاه خوب ببینید!

در زلزله های قبلی زلزله موجب لشکرکشی عظیم و همه جانبه آمریکا به آن کشور نمیشد و فرودگاه و اماکن استراتژی به اشغال آمریکا در نمی آمد آن چنان که در اینجا شد علاوه بر این چه چیزهایی که در اینجا روی داد و در هیچ زلزله دیگر روی نداد و یا حداقل تا به امروز روی نداده بود و ممکن است بعد از این و در پی این قبیل زلزله ها روی دهد! حال ممکن است پرسیده شود این مسائل در هم بر هم چه ربطی بهم دارند، بنظر من که تخته سیاه الکترونیکی دنیا را از اینجا نگاه می کنم ربط دارد و خیلی هم ربط دارد. می پرسید چگونه؟ می گویم اینطوری! فرض کنیم که اسرائیل و آمریکا بخاطر جلوگیری از خطر اتمی ایران (که دروغی بیش نیست) و برای خدمت به بشریت (یعنی سرمایه داری اسیر در چنگال میهنیسم) سایت های غنی سازی اورانیوم ایران را بمباران کنند تا آرامش و امنیت بر جهان حاکم شود چه می کنند؟ مثلاً آمریکا از ناوگان دریایی خود در خلیج فارس، دریای عمان در قطر، عربستان، عراق، افغانستان، ترکیه و... به ایران حمله خواهد کرد؟ بنظر میرسد این کار پرمخاطره، پر از ریسک و موجب بدنامی و تنگ زیاد برای آمریکا خواهد شد، تازه روشن نیست این کشورها رضایت خواهند داد که کشورشان بمتابه پایگاهی برای حمله به ایران مورد استفاده قرار بگیرند یا نه، بویژه اینکه ایران هم تهدید می کند اگر کشوری به این کار اقدام کند مورد حمله قرار خواهد گرفت. اسرائیل هم با ساختن بمب افکن سنگین و جدید خود که می تواند ۲۴ سوخت گیری نکند و مسافتهای بسیار دوری را طی کند اگر خود به تنهایی وارد عمل شود که امری نا ممکن است باید بسیاری از عوامل را در نظر بگیرد که همگی در اختیار اسرائیل نیست و تازه

مشاهده چی

را شرط اساسی دانسته راه شفاف سازی آنرا و صف کرده است بشنویم خاقانی را:

خواهی که شود دلت چو آئینه،

ده چیز برون کن از میان سینه.

هرس و دغل و بخل و حرام و غیبت،

بغض و حسد و کبر و ریا و کینه.

چه بسا با پاک سازی درون خود از

آلوده گی های نفسانی حقایق زندگی، فیض مردم

دوستی و نیکوکاری در آئینه ی دل آدمی درک میگردد.

این نوزائی دیدگاه (تولد تازه) ثمره ی یک سلسله تحول

روانی است که، تحت تاثیر توانمند همنوع نیک نیت،

بینش غیر معقول و غیر مقبول فرد درباره ی زندگی به

دگراندیشی مقبول هدایت میشود.

مراد از تأثیر توانمند شیوه ی نکوهش و بیان نیت

مورد نظر میباشد که، در قالب کلام زیبا، نه بطور

مستقیم، بلکه در لابلای صحبت باید به نحوی ادا شود

که موجب رنجش و نا خرسندی مخاطب فراهم نگردد.

مولانا حافظ شیرازی را بشنویم که، به همین نکته اشاره

کرده با ظرافت میفرماید:

ای باد حدیث من نهانش میگو،

سر دل من بصد زبانش میگو.

میگو نه بد انسان که ملالش گیرد،

میگو سخنی و درمیانش میگو.

استعداد و نیاز بر پذیرش افکار نیک در نهاد هر

کس نهفته است. باید بر اسرار کسب اقتدار کلام و شیوه

ی تأثیر گذاری آن واقف بود. برای انتقال مفهوم عمیق

حقایق زندگی به همنوعان طلسم شیفتگی به علایق

دنیوی و لذت های گناه آلود را با

انگیزه ی مردم دوستی و نیکوکاری

(تولد تازه)

در کلیه ی رشته های زندگی تداوم فعالیت

شخص، بموازات تأمین معیشت خود و خانواده، تا حد

زیادی با ارضای معنوی (فیض) و دیدگاه اجتماعی او

مربوط است. هستند کسانی که بمنظور تأمین این

نیازها، با گرویدن تدریجی به روش های غیر انسانی و

تقلب به غلام دیو زشتی ها و خیانت تبدیل میشوند.

اینگونه آفت های انسانی است که طراز و آرامش

جامعه را بهم می زند و فجایع خانه برانداز را موجب

میشود. در همین مقام است که هر شهروند پاک سرشت

باید در عمل پاک سازی و آماده ساختن قلب های آلوده

به پذیرش حقایق زندگی مشارکت کند - کاری که انجام

آن در ظلمت فساد های رایج اجتماعی و ستیز واعظان

بد اندیش با دشواری همراه خواهد بود.

ای دوست! اگر تو محصور زنجیره ی مکارم

اخلاق هستی، در تاریکی عظیم بهتان و خود سری

دشمنان راستی نترس، در انتظار تابش نور حقیقت باش.

تو غنای فیض مردم دوستی و نیکوکاری را در آئینه ی

دل دریاب، آنرا به آن دسته از همنوعان خود که، غافل

مانده اند و هنوز فریفته ی خوشر قصبهای نفس شیطانی

هستند، منتقل کن. تا وجدان خفته ی این افراد بیدار

شود، بجای ردایل، ارزش های بشری را تجربه کنند و

در طریق معرفت انسانی گام بردارند. شاعر نامدار

آذربایجان. افضل الدین خاقانی شیروانی در همین راستا

شعری سروده. برای دستیابی به مقام والای انسانیت،

همانند کلیه ی بزرگان حکمت، شفاف بودن آئینه ی دل

ای دوست! شخص گمراه ندای حق را در قلب خود میشنود. ولیک، روح شرارت بر او غلبه دارد. بدینجهت در اسارت نفس گرفتار است.

حال که تو کمره‌مت بسته ای تا، با نمایاندن زیبایی حقیقت و اقتدار کلام، گمراه را از اسارت نفس بر هانی و به مسیر راستین زندگانی هدایت کنی، انگیزه های درونی خود را هم در معرض آزمایش قرار بده، آنرا در ترازوی عقل و منطق بسنج وانگهی به خواست ها عمل کن. تا نام تو از گزند بدنای در امان باشد و زیبایی اقتدار کلامت محفوظ بماند. به قضایا، نه با چشم سر، با چشم نهان بین دل بنگر، تا حقایق زندگی را بدون زواید دریایی و آنطوریکه هست به هموعان منتقل کن.

تو بدان و آگاه باش! احتراز از کج رویها، شرط اصلی نیکنامی و اقتدار کلام می باشد و این عامل توانمند تأثیر و تحول در دلهاست. این، وسیله ایست که به یاری آن میتوان وجدان گمراه را منقلع و متحول ساخت تا تو جهش نه بسوی رذایل، بسوی پندارهای نیک معطوف گردد.

ای دوست، مطمئن باش! با تأثیر این شیوه ی عمل خالصانه مخاطب تو، در نهایت، طعم وجود را درک میکند و از غنای محبوب فیض انسانیت و مردم دوستی آگاهی مییابد. اجر تو نیکنامی و نشاط بیکران آرامش دل خواهد بود چیزی که، برای همه کس مقدور نمیباشد.

پروفیسور اسد رضا یعقوبی (خزر)

اقتدار کلام باید شکست و ریشه ی روح سرکش خود خواهی را نشانه گرفت. تا مراد که، جا دادن عشق مردم دوستی و نیکوکاری در دل هاست، حاصل گردد.

انگیزه ی این عمل هدایت هموع به سوی ارزشهای واقعی زندگانی، نیاز و اشتیاق روانی افراد است که با عشق هم دلی و شکوفائی جامعه ی جهانی گره خورده است.

نباید از نظر دور داشت که، برای انتقال فیض انسان دوستی و نیکوکاری، شیوه ی نقد مستمر و گفتار هدفمند وقتی میتواند در شنونده به دگر اندیشی مطلوب بیا نجامد که، مبلغ پندارهای نیک خود را هم، عملاً، در کردار خود بنمایاند تا به اقتدار کلامش افزوده شود.

اقتدار کلام و تأثیر عملی آن تا حد زیادی وابسته به شخصیت گوینده ی آن میباشد. هستند کسانی که به این اصل مسلم پابند نیستند. گفتارهای پندآموز و اعظان روحانی نما، مدرسین و مبلغین ریاکار که، مدعیان هدایت افکار هستند، نمیتواند بر دیدگاه منحرفین از اصول انسانیت تأثیر گذار باشد. گره این مشکل در کجاست؟ شاعره ی سده ی دوازدهم میلادی، مهستی گمجوی را بشنویم:

در دل همه شرک و روی بر خاک چه سود،

ز هری که بجان رسید تریاک چه سود.

خود را به میان خلق زاهد کردن،

با نفس پلید و جامه ی پاک چه سود.

قابل ذکر است در همین شعر مهستی، در مورد

تأثیر عملی کلام، بازتاب فکر ناشی از سخنان پیغمبر مسلمین، محمد (ص) بخوبی مشهود است که گفته:

«رطب خورده منع رطب چون کند»؟

محسون قارداش (خشگنابی)

«آگوین (گستاپو) دان فرقی»

قورخورام من ینه بايقوشلار اوجالديب سسینی،
قان اولور باغريم ائشیندیکجه بو غم نغمه سینی.
اودنان اویناییر آگو، نیه دینیمیز آنالار؟
گنج - یا تز یانديرجاقدیر بو آگو ایشده بیر کوره سینی.

سن حیات آشیقی دیلن، اود ایچینده یانیریق!
بو ایشین آقینین بیز که، بو گوندن دانیریق.
آگو (گستاپو) دان فرقی فقت اوندادیر که،
گولونو آغ کوروروک، کورپه کیمی آدانیریق.

اورا کیم باسدی آیاق، توتدو جونولوق آزارین.
اوز توتوب شرقه ساری، سوردو فلاکت قاتارین.
بو (فائیزم) بین بینی بیر فورماسیدیر، کس قاباغین.
قایه سی- فکری بودور آلسین اله دنیانین اختیارین.

بو شتامیر کیمسه نی نوز دایره سیندن بو آزار
بونون نوز تاریخی قوربانلاری، دحشتری وار...
وای او انسانلارین احوالینا عقلین اینیره!
نه محبت دویار عمرونده، نه بیر قلبی قیزار.

بو نه سسدیر کویو دوب، گوزلره دوشمور سونالار
(پنتاقون) جانیلری، پتر انساندی بو باغدادداکیلار!
(حروشیما) نین آتوم فاجعه سین بوردادا تکرار انله سز
اوندا عالم قاریشار، بلکه ده دنیا داغیلار!!

آگوین باسقینی تک ایندی دبیله شرقیمیزه
حیندو - چیننده تانیشدیر آگوین قصدی بیزه
توکدویو قانلار اگر بیر یره توپلانسا ایدی
هامی حیرتله باخاردی بینی الوان دنیزه.

نه حوس وار - نه امید واردی بو گوندن ساباحا
ای یاپون خلقی، اوجالت نوز سسینی، سوسما دها!
سن گورویسن که، آتوم ضربه سینین فاجعه سین
اویما - اویدورمالارا، آگوه بئل باغلاما ها!

قارشیسین کس، خبر آل گور نیه:- قان- دان دیری
بلکه سیغمیر آگوه، اوردا داریسقالدی یری
بلکه ایشسیر لیک اوجوندان بئله بدیندی یری (باخود)
- وئر - چورک وئر- دبیله فریاد انله بیر کورپه
لری

بلکه قان توکمه یه آدت انله بیب داش اوری؟
بلکه وجدان ساریداندیر اونون عکسک - دیری؟
یوخسا نفت دیر اونون عقلینی باغدان چیخاران؟
اونودوب عالمی انسانلیقی، قاندیر چوربی.
قوجا باغداد عربین کبه سی، شرقین گوزودور
ان بویوک مجوزه لردن بیری ترک اوغلو فزولی
نوزودور

(پنتاقون) جانیلری بشرین ان حیاسیز دوشمنیدیر!
بونو قارداش دنسه ده کوللی جهانین سوزودور

طبیعت و محیط زیست عوامل تخریب آنها

در کشورمان

در اکثر نقاط کوهستانی بر اثر فرسایش شدید سنگها
به سطح رسیده و بر اثر عوامل میکائیکی، فیزیکی، فیزیکی
و شیمیائی و بیولوژیکی در مدت زمان از هم پاشیده شده و
در اطراف پراکنده شده است. این سنگها در ترکیب خود
عناصر رادیواکتیو دارند. بدین ترتیب بر اثر فرسایش عناصر
رادیواکتیویته تحت تأثیر عوامل جوی، انفجارات خورشیدی
فعالتر گردیده و در بعضی مواد ذرات آنها به پرتوافشانی
پرداخته که به آلودگی رادیولوژیکی منجر شده است. مناطق
کوهستانی استانهای آذربایجان، سیستم کوه های قزوین،
زنجان، کرج، تهران، منطقه زاگرس و شرق کشور به این
وضع دچارند.

وجود اشعه های مضر در این مناطق برای زندگی
انسان و احشام مسئله ساز می باشد. در این مناطق انواع و
اقسام امراض سرطانی، لیکومی (سرطان خون) مشاهده می
گردد. بر طبق تحقیقات اولیه در بعضی نقاط کشور ما شاهد
آلودگی خاک و پرتوافشانی هسته ای بوده ایم که پس آمدها و
عواقب خطرناک آن نه تنها برای نسل حاضر بلکه برای
نسلهای آینده هم دردناک خواهد بود.

آزمایشهای اولیه در خاکهای منطقه مشهد، نیشابور،
اصفهان، کبو تر آباد، منطقه البرز تهران، خاکهای غیر
مزروعی اطراف اردبیل، حومه نیر نشان داد که درجه پر
توافشانی در این مناطق مختلف بوده و تقریباً در تمام موارد
بیش از حد معمولی و نرمال (کلارک Clark) آنها (۷- ۱۲
میکروروننگن در ساعت) می باشد.

در منطقه مشهد در خاکهای با منشاء آهکی (مشهد، بیر جند) شعاع پراکنی بین ۱۸- ۲۴ میکرورونتگن، منطقه نیشابور بین ۱۸- ۳۰ میکرورونتگن (اکثراً بین ۱۲- ۲۴ میکرورونتگن در ساعت) در منطقه البرز تهران (در راستای تله مابین) بین ۴۲- ۴۴ میکرورونتگن در ساعت می باشد. تحقیقات انجام شده سالهای ۱۳۷۴- ۱۳۷۵ در اراضی استان اردبیل نشان داد که درجه پرتوافشانی در هر مورد بیش از حد معمولی آن بود در مناطق مسکونی بین ۲۰- ۲۵ میکرورونتگن در ساعت می باشد. اندازه گیری اشعه در داخل ساختمانهای مسکونی دولتی هم انجام داده شد. میزان اشعه پراکنی در آنها بین ۱۴- ۳۰ میکرورونتگن در ساعت بود. علل اساسی وجود بیش از حد اشعه رادیواکتیویته در اماکن عمومی دلالت بر وجود اشعه مواد رادیواکتیو در مصالح ساختمانی (سنگ، خشت، سیمان، آجر، شن و غیره) می باشد. اگر در داخل ساختمانها میزان اشعه کمتر از میزان آن در خارج از ساختمان باشد در آن صورت ساختمان رل محافظه را بازی می کند. در صورتی که میزان اشعه در داخل بیش از خارج باشد در آن صورت در داخل ساختمان شعاع پراکنی مصنوعی ایجاد می کند که خطرناک می باشد. اندازه گیری پرتوافشانی در یکی نقاط جالب اردبیل، اطراف در یاچه شورابیل که به استراحتگاه عمومی و شهرک دانشجویی تبدیل گردیده انجام گرفت. با نهایت تأسف باید اظهار نمود که نیزان اشعه پراکنی در این، اراضی به مراتب بیش از حد معمولی آن می باشد (در حدود ۳۰- ۶۶ میکرورونتگن در ساعت) پژوهشهای اولیه نشان داد که ماده پرتوافشان گل سفید خاکستری مخصوص می باشد. گل مذکور شکل گرد را دارد و بسهولت می تواند بآباد بجای دیگر منتقل شده و ارگانهای تنفسی کسانی را که در اطراف در یاچه به استراحت مشغولند آلوده نماید که پیامدهای آن معلوم می باشد. منشاء این گل، گردهای آتشفشانی سبلان است. این گردها قسمت بزرگی از اراضی استان را پر کرده و دشتهای پر برکت اردبیل و مغان بر روی آنها به وجود آمده است. این محصول آتشفشانی در مدت زمان تاریخی تبدیل به بنتانیت (Bentanit) شده و دارای خواص رادیواکتیویته می باشد. منطقه بین اردبیل و شهرستان نیر از جمله مناطق با اشعه پراکنی شدید می باشد. وجود ترکیبات آهکی بخصوص عناصر رادیواکتیو مانند استرونیوم، توریم و رادیوم در خاک یکی از منابع این اشعه پراکنی می باشد. پژوهش های متخصصین در سالهای گذشته نشان داد که آبهای زیر زمینی که از عمق زیاد خارج می شوند دارای گازهای رادون می باشند. تحقیقات با روشهای رونتگن اسپکتورال و مشاهدات انجام شده در مناطق آبهای ترمال و معدنی هم انجام گرفت. نتایج این تحقیقات نشان داد که در همین اراضی (منطقه اردبیل، سرعین، سردابه) در گل دریاچه شورابیل از ریز عناصر و اندیوم، مولیبدان، باریوم، استرونیوم و غیره موجود می باشد. وجود این عناصر شهادت به وجود مواد رادیواکتیو مانند اورانیوم، رادیوم و توریم می نماید.

در کشورهای اروپائی، کشورهای صنعتی و پیش رفته آسیا و آمریکا به اهمیت مسئله پی برده و موسسات علمی، اختصاص رادیولوژیکی تشکیل یافته است. امروز موسسات انستیتوهای تحقیقاتی در این کشورها به تحقیقات دامنه داری در شناسائی مناطق آلوده، علل و عوامل آلودگی و تدابیر پیشگیری از این آلودگیها، راه ها و شیوه های غیر فعال کردن (دز اکتیواسیون) زمینهای اشعه زده را بررسی می کنند. با در نظر گرفتن اینکه تشکیل

مؤسسات اتمی با مقاصد غیر جنگی، مؤسسات جنگی، اتمی و هسته ای، ساخت زیر دریاییهای اتمی، استاسیونهای الکتریکی اتمی، انبارها و قبرستانهای مواد رادیواکتیو هر روز بیشتر می شود و اینکه در کشورمان نیز تحقیقات اتمی برای مقاصد صلح آمیز (ساخت استاسیون الکتریکی اتمی) جان می گیرد، لازم است که در جنب سازمان، انرژی اتمی کشور، دانشگاه های تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز و اهواز مؤسسات علمی رادیولوژیکی برای پژوهش های پرتوافشانی هسته ای طبیعی و مصنوعی و بطور کلی شناسائی این پروبلم ایجاد گردد.

مؤسسات علمی و تحقیقی به منظور شناسائی خاکهای آلوده، محصولات کشاورزی با آلوده گی رادیواکتیویته باید در سیستم سازمان تحقیقات کشاورزی وزارت کشاورزی تأسیس و با یک برنامه جامع به کار مشغول گردد. این یکی از مسائل بسیار مهم زمان بوده با سلامتی انسانها و نسلهای آینده در رابطه می باشد و باید از توجه مخصوص دولت بر خوردار گردد. امروز وقت آن رسیده که اقدامات جدی برای حفاظت از جنگلهای موجود و ترمیم جنگلهای مخروبه و ایجاد جنگلهای مصنوعی در مقیاس کشوری و ملی انجام گیرد و علیه جنگل زدائی جهاد اعلام شود. باید در نظر داشت که با درختکاری و گسترش فضای سبز حتی می توان تأثیر مواد رادیواکتیو را کاهش داد.

البته در ختان در ختجه ها، فضای سبز قادر نیستند به طور کامل مواد رادیواکتیو را کاهش دهند و یا از بین ببرند ولی با کاهش، تنظیم و پراکنده کردن آن در محیط تا حدودی اثرات رادیواکتیویته را محدود می نمایند. پژوهشهای دانشمندان نشان می دهد مقدار اشعه ای که شاخ و برگ درختان جذب می کنند در پشت فضای سبز طرف باد گیر ۳۰-۴۰ برابر بیش از مقدار مواد رادیواکتیویته است که در جلوی فضای سبز انباشته شده است. با در نظر گرفتن اهمیت مسئله ایجاد توسعه هماهنگی در کارهای پژوهشی مربوط به مسائل رادیواکتیو، تشویق به کار خلاقه گروهی در امر شناسائی پیامدهای آلودگی رادیواکتیویته و همچنین وسعت و گسترش فعالیتها در این زمینه باید از اولویت خاصی بر خوردار بوده و در صدر فعالیت مقامات مربوطه دولتی، دانشمندان، محققین و دست اندرکاران قرار گیرد. به منظور تحقق بخشیدن به این اهداف غلیرغم تنگناهای موجود دانشمندان و محققین برجسته و کاردان باید به این تحقیقات جلب شوند، کارگاه ها، آزمایشگاه های مجهز تشکیل به کار مشغول گردند. اینها مسائلی است که با منافع ملی و سلامت نسلهای آینده کشورمان در رابطه می باشد.

پروفسور دکتر بهروز شکوری عضو آکادمی علوم نیویورک

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 66 - ci nömrə. Mart 2010
Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi
www.adf-mk.org

باش رداكتور: اميرعلى لاهرودى
قزنت تحريريه هئيتى طرفيندن نشر اولونور
قزنتين آرتيريبي، ياييمي آزاددير
E- mail info @ adf - mk Org